**دعا**

**گزيده ای از دعاهای کلام الله مجيد و نیایش رسول اکرم** ج

**گردآورنده:**

**سعيد بن علی بن وهف القحطانی**

**مترجم:**

**د. نور محمد امرا**

**این کتاب از سایت کتابخانۀ عقیده دانلود شده است.**

**www.aqeedeh.com**

|  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| **آدرس ايميل:** |  | **book@aqeedeh.com** | | | | |
| **سایت‌های مجموعۀ موحدین** | | | | | | |
| www.mowahedin.com  www.videofarsi.com  www.zekr.tv | | |  | | www.aqeedeh.com  www.islamtxt.com  www.shabnam.cc  www.sadaislam.com | |
|  | | | | | | |
|  | | | |  | |  |

بسم الله الرحمن الرحیم

فهرست مطالب

[پيشگفتار 1](#_Toc417394531)

[آداب دعاء 7](#_Toc417394532)

[کجا وچه وقت دعاء کنيم؟ 10](#_Toc417394533)

[دعاهايی از کلام الله مجيد 14](#_Toc417394534)

[دعاهایی از نیایش پیامبر اکرم ج 24](#_Toc417394535)

[گلچینی از مناجات و نیایش در ادبیات فارسی 57](#_Toc417394536)

**تقديم به ...**

فرشتگان سعادت که راه رشادت را بر صفحات مناجاتشان برايم نگاشتند..

به آن قلب‌های تپنده‌ای که در شوق ديدار جگرگوشه‌شان اشک‌های اميد بلعيدند تا فرزندشان شمعی گردد در فرا راه هدايت..

به آنانکه دستان لرزان نيايششان راهگشای زندگيم بود ..

بدانانکه چتر دعاهايشان از زير باران‌های هولناک اهریمن نجاتم داد..

به پدر و مادر ارجمندم ..

شعله‌های فروزان آسمان هدايتم ..

**نهالتان**

**ن. م**

پيشگفتار

آن‌هنگام که همه درهای اميد به رويت بسته می‌شود، و زمين پهناور در ديدگانت به تنگی می‌گرايد، ندای فطرت و سرشت تو را تنها و تنها بدرگاه آفريدگارت می‌خواند.

آنهنگام که خودت را موجودی تنهای تنها در ساحل نا اميدی در لابلای خارهای عجز و ناتوانی و... می‌يابی ناقوس عقل تو را بسوی آفريدگارت می‌کشاند.

آنهنگام که بر فراش بيماری با چشمانی کم سو نظاره‌گر شگست و سستی دواها و داروهای پر زرق و برق هستی، صدايی آشنا از اعماق درون تو را بسوی آفريدگارت می‌خواند.

و آنهنگام که سراب زندگی در بيابان‌های سوزان يأس اميدهايت را به آتش می‌کشد، يکه و تنها به زمين می‌افتی تا دستان لرزان مناجات بسوی آفريدگارت دراز کنی و با اشک‌های توبه و ندامت روزگاران برباد رفته را بازيابی.

پروردگار يکتا، آفريننده‌ی آسمان‌ها و زمين، خالق ابر و باد و مه و خورشيد و فلک، اله عالميان نظر لطف و کرمش را بر انسان اين موجود طغيان

چون بنده دست تضّرع و زاری بسوی پروردگار خويش دراز کند و با دعاء و نیایش درِ ملکوتی او کوبد هرگز و هرگز بی‌‌بهره برنخواهد گشت چرا که پروردگار و آفريننده او بسيار سخاوتمند و کريم و بخشاينده است و أبا می‌ورزد که فقير و محتاجی از درِ او نا اميد برگردد.

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| ای آنکه به‌ملک خويش پاينده‌تويی |  | بر دامن شب صبح نماينده تويی |
| کار من بيچاره قوی بسته شده |  | بگشای خدايا که گشاينده تويی |
| يا رب مکن از لطف پريشان ما را |  | هرچندکه‌هست‌جرم‌وعصيان‌مارا |
| ذات تو غنی و ما همه محتاجيم |  | محتاج غير خود مگردان ما را |
| يارب تو چنان‌کن که پريشان نشوم |  | محتاج به‌بيگانه و خويشان نشوم |
| بی‌منت خلق خود مرا روزی ده |  | تا از درِ تو بر درِ ايشان نشوم |
| غمناکم و از کوی تو با غم نروم |  | جز شاد و اميدوار و خرم نروم |
| از درگه همچون تو کريمی هرگز |  | نوميد کس نرفت و من هم نروم |

سنت و رويه الهی بر اينست که هر چند بيش بدرگاهش توسل جويی و زاری گويی در پيش او عزيزتر خواهی بود و بيش به کف خواهی آورد.

و چون پيامبران نزديک‌ترين و عزيزترين بندگان و بردگان پروردگارند و از همه عزيزتر پيامبر بزرگ اسلام ج شرط عقل است که برای رسيدن به مدارج والای عزّت و سربلندی در پيش آفريدگار هستی ما نيز دعاهای آن رسول هدايت را وِرد زبانمان کنيم، البته با درک و فهم معنا و مفهوم آنها، از اين رو بر اين شديم ترجمه دعاهای برگرفته شده از قرآن و حديث پيامبر اسلام ج که از ترتيب و تخريج استاد سعيد قحطانی است را به سالکان درب هدايت و عاشقان بهشت‌های برين الهی تقديم داريم.

در موضوع مناجات و نیایش کتاب‌های بسيار زيادی به رشته تحرير در آمده که متأسفانه بيشتر اين کتاب‌ها شامل احاديث و رواياتی است ضعيف و يا نادرست که به پيامبر اسلام نسبت داده شده‌اند، کتاب مذکور چون همه حديث‌های آن درست و صحيح بوده و مؤلف کتاب زحمت تخريج آنها و اشاره به مرجع برگرفته شده از آن را متحمّل شده، بر بسیاری از کتاب‌های ديگر برتری دارد.

شايد اشاره به اين نقطه که بهتر است متن عربی دعاها را حفظ نموده آنها را در مناجات‌هايمان به درگاه الهی بخوانيم لازم نباشد، چرا که بر همه‌گان واضح است که ترجمه هرگز قادر نيست همه جوانب متن اصلی را در برگيرد و همچنين خواندن آيات قرآنی و کلمات و سخنان پيامبراکرم ج به همان صورتی که آنحضرت بر زبان مبارکشان می‌راندند شايد برای گشايش خزانه‌های رحمت و قبول درگاه الهی اولاتر باشد.

قرآن کریم اولین معلمی است که به ما نحوه دعا‌کردن را می

پس از قرآن که نمونه

دعا و نیایش، و توصیف و ستایش پروردگار یکتا یکی از بارزترین ویژگی‌های ادبیات نیاکان ما می

ادبیات فارسی از ابتدای اسلامش سعی بر این داشت تا از موضوعات پوچی چون چاپلوسی شاهان کناره گرفته، به موضوعات اجتماعی و انسان ساز چشم دوزد. از اینرو ملاحظه می

در آخر این کتابچه مختصر مختاراتی از این نمونه

اميدواريم که توانسته باشيم با تقديم اين مناجاتنامه کچکول محتاجی خويش بسوی عاشقان مناجات، و صاحبدلان شب زنده‌دار دراز کنيم تا شايد نظر لطفی شامل حالمان شده از ما در دعاهايشان يادی بميان آورند.

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| ای خدا، ای فضل تو حاجت‌روا |  | با تو یاد هیچکس نبود روا |
| این قدر ارشاد تو بخشیده‌ای |  | تا بدین، بس عیب ما پوشیده‌ای |
| قطره‌ای دانش‌که بخشیدی زپیش |  | متصل‌گردان به دانش‌های خویش |
| هم دعا از تو، اجابت هم زتو |  | ایمنی از تو، مهابت هم ز تو |
| گر خطا گفتیم، اصلاحش تو کن |  | مصلحی تو، ای تو سلطان سخن |

**د. نور محمد امرا**

شب 27 / رمضان/ 1431 هـ

اسلام آباد ـ پاکستان

آداب دعاء

فرموده الهی است که: ﴿وَقَالَ رَبُّكُمُ ٱدۡعُونِيٓ أَسۡتَجِبۡ لَكُمۡۚ إِنَّ ٱلَّذِينَ يَسۡتَكۡبِرُونَ عَنۡ عِبَادَتِي سَيَدۡخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ ٦٠﴾ [المؤمن: 60]([[1]](#footnote-1)).

و فرموده اوست: ﴿وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌۖ أُجِيبُ دَعۡوَةَ ٱلدَّاعِ إِذَا دَعَانِۖ فَلۡيَسۡتَجِيبُواْ لِي وَلۡيُؤۡمِنُواْ بِي لَعَلَّهُمۡ يَرۡشُدُونَ ١٨٦﴾ [البقرة: 186]([[2]](#footnote-2)).

رسول اکرم ج فرمودند: «اساس طاعت و عبادت پروردگار در دعاء خلاصه می‌شود مگر فرموده پروردگارتان را نشنيده‌ايد که فرمودند: مرا بخوانيد تا حاجت‌هايتان را برآورده سازم»([[3]](#footnote-3)).

دعاء ميعادگاه بنده است با پروردگار، سکّويی است که از آن حاجت‌ها و خواسته‌ها و خواهش‌های بنده بر دو بال اعترا ف به سستی و ناتوانی و شکر از نعمت‌های بی‌دريغ الهی سوار بسوی آسمان‌ها به پرواز درمی‌آيند.

در نيايش بنده ناتوان به ديدار پروردگار قادر و توانا می‌شتابد، اينجاست که بنده خودش را برای اين ملاقات آماده کرده با کمال أدب و جمال أخلاق قدم به پيش می‌نهد. با وضوء و طهارت و پاکی، دو دست لرزان عجز و سستی را بلند کرده عقل و فکرش را فقط و فقط متوجه پروردگار نموده، گناهانش را بياد می‌آورد، چند قطره اشکی بر گونه‌هايش جاری نموده و با صدايی آرام و شکسته حمد و سپاس پروردگار بر زبان جاری می‌کند، سپس سلام‌ها و درودها به پيامبر اکرم ج، و خاندان و یاران و پیروان او هديه می‌نمايد، بعد از آن برای خودش و پدر و مادر و خويشان و عزيزان و استادانش دعاها می‌کند و بر هر دعايی اسرار می‌ورزد و سه بار و بيش تکرارش می‌کند، پس از آن برای همه مسلمانان دربند، برای مجاهدان راه پروردگار، برای همه جهان اسلام و مسلمانان و آنانکه جان و مال خويش در راه دين خدا فدا نموده‌اند دعاء می‌کند.

در نيايش، قلب فقط و فقط متوجه درگاه پروردگار و قدرت و توان اوست و تنها از او و به او توسل می‌جويد و او را تنها با نام‌ها و صفاتی که خودش برای خود برگزيده ندا می‌زند، هرگز کسی را با او و در کنار او نمی‌خواند، نه پيامبری و نه امامی و نه سيد و ولی‌ای و نه فرشته و ملائکه‌ای، چه که همه آفريده اويند و اوست قادر مطلق، و همه بندگان و برده‌گان ناتوانی هستند که بر حسب عبادت و طاعت‌شان رحمت الهی شامل حالشان شده در پيش پروردگار عزيز و يا ذليل می‌گردند.

هرگز دستانی که سرشکسته و پشيمان از گناهان خويش با ترس و هراس از خشم غضب الهی و آرزو و اميد به رضايت و خشنوديش درِ درگاه الهی می‌کوبند خالی باز نخواهند گشت.

پيامبر اسلام ج می‌فرمايند: «پروردگار بزرگ و با عظمت‌تان بسيار باحياء و سخاوتمند است و از اينکه دستان بنده‌ای که بسوی او دراز شده‌اند را خالی پس دهد از بنده‌اش أبا می‌ورزد»([[4]](#footnote-4)).

و همچنين می‌فرمايند: «هر مسلمانی که پروردگارش را بخواند و به درگاه او دعاء و نيايشی که در آن نه گناهی است و نه برهم‌زنی روابط خانوادگی، بفرستد پروردگارش بدو يکی از اين سه چيز را خواهد بخشيد:

1. يا اينکه دعايش را می‌پذيرد.
2. و يا اينکه اجر و پاداشش را برای روز حساب ذخيره می‌کند.
3. ويا اينکه به اندازه دعايش از مشکلات و گرفتاری‌هايش برطرف می‌گرداند.

ياران آنحضرت فرمودند : پس بسيار دعاء خواهيم کرد! آنحضرت فرمودند: درگاه پروردگارتان از هر آنچه شما بخواهيد پرتر و غنی تر است»([[5]](#footnote-5)).

در دعاء نبايد به حق ديگران تجاوز کرد و نبايد برعليه خود و خانواده و عزيزان دعاء نمود و شايسته نيست که در لابلای جمله‌های مسجع و پر زرق و برق خود را گم کرد و از مفهوم فروتنی و خشوع و توجه قلب دور شد، دعاء هرچه ساده تر و پرمعناتر باشد به نيايش پيام آور رسالت ج نزديک‌تر است.

و قبل از روی‌آوردن به قبله با خوردن مال حلال و پوشيدن پوشاک پاک، حقوق همه بندگان خدا را به آنها برگردانيم چه که دستان آلوده به حقوق مردم و ظلم و ستم بر آنان را در درگاه الهی جايی نيست.

دعاء رابطه بنده و آفريدگارش در سختی‌ها و گرفتاری‌ها، خوشی‌ها و سعادت‌هاست که شايسته است بنده هميشه و در همه حال زبانش را بذکر و ياد پروردگارش زينت بخشد.

کجا وچه وقت دعاء کنيم؟

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| شب خیزکه عاشقان به‌شب رازکنند |  | گرد در و بام دوست پرواز کنند |
| هرجا که دری‌هست به‌شب بربندند |  | غیر از در دوست‌را که‌شب باز کنند |

دعاء رابطه دائم و هميشگی مؤمن است با پروردگارش. او همواره و در همه جا پروردگارش را می‌خواند خدايی را که هميشه با اوست و از رگ گردن بدو نزديک‌تر «ای محمد، اگر بندگان من سراغ مرا از تو گرفتند به آنها بگو که من بدانها بسيار نزديکم و حاجت هر نيازمندی که دست دعاء بسويم دراز کند را بر آورده می‌کنم...»([[6]](#footnote-6)).

جاه‌ها و وقت‌هايی برای دعاء اولاتر و برترند که مؤمن همواره در تلاش است از اين فرصت‌های طلائی حد اکثر استفاده را ببرد. از آنجمله است:

1. شب قدر.
2. نيمه‌های آخر شب.
3. پس از نمازهای فرض.
4. بین اذان و اقامه نماز.
5. در هر شب وقتی است که دعاء در آن پذیرفته می‌گردد.
6. هنگام اذان.
7. هنگام بارش باران.
8. آنگاه که لشکر اسلام به سوی جهاد به راه می‌افتد.
9. لحظاتی از روز جمعه (برخی به وقت خطبه و نماز جمعه اشاره کرده‌اند، اما گمان می‌رود که آخرین ساعت از لحظه‌های غروب راجح‌ترین اقوال باشد).
10. وقت نوشیدن آب زمزم با نیت خالصانه.
11. در سجده ها.
12. هنگام برخواستن از بستر خواب در شب و دعا به آنچه از رسول اکرم ج ثابت شده است.
13. اگر با وضوء به بستر خواب رفت و در شب بيدار شد و دعاء نمود.
14. هنگام دعاء به ﴿لَّآ إِلَٰهَ إِلَّآ أَنتَ سُبۡحَٰنَكَ إِنِّي كُنتُ مِنَ ٱلظَّٰلِمِينَ ٨٧﴾ «بجز تو ای پروردگار يکتا هيچ إله و معبودی نيست، تو پاک و منزهی، ببخشای مرا که من از ظالمان و ستمگران بوده‌ام».
15. دعاهای مردم برای کسی پس از وفاتش.
16. در تشهد أخير بعد از حمد و سپاس پروردگار يکتا و صلوات و درود بر پيامبر اکرم ج وآل وخاندان او.
17. هنگام خواندن پروردگار به نام بزرگش که اگر بدان نام او را ندا زنی جوابت دهد و اگر از او چيزی خواهی دريغ نورزد([[7]](#footnote-7)).
18. دعاء مسلمان برای برادر مسلمانش در غيبت او.
19. دعاء آنانکه بر عرفات در روز عرفه تشريف دارند.
20. دعاء و نيايش در ماه مبارک رمضان.
21. در مجالس طاعت و عبادت که مسلمانان دور هم جمع می‌شوند.
22. هنگام دعاء در برابر مصيبت‌ها و سختی‌ها به «﴿إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّآ إِلَيۡهِ رَٰجِعُونَ١٥٦﴾، اَللَّهُمَّ أَجْرِنِي فِي مُصِيبَتِي وَاْخْلُفْ لِي خَيْرًا مِنْهَا» «ما از آنِ پروردگاريم و بسوی او باز خواهيم گشت، بار الها، مرا بر اين مصيبت و بلا أجر و پاداش فراوان ارزانی دار و بمن بهتر از آنچه از دست داده‌ام عطا فرما».
23. دعاء در آنهنگام که قلب با اخلاص کامل بسوی پروردگار روی می‌آورد.
24. دعاء مظلوم بر عليه کسی که بدو ظلم ورزيده.
25. دعاء پدر برای فرزندش و يا بر عليه او.
26. دعاء مسافر.
27. دعاء روزه‌دار تا وقت افطارش.
28. دعاء روزه دار در هنگام افطار.
29. دعاء بيچاره پريشان.
30. دعاء امام و پيشوای عادل.
31. دعاء فرزند نيکو برای پدر و مادرش.
32. نيايش به دعاهايی که از پيامبر اسلام ثابت است پس از وضوء.
33. دعاء پس از پرتاب سنگ ريزه کوچک در جمرات (مِنا)([[8]](#footnote-8)).
34. دعاء پس از پرتاب سنگ وسطی در جمرات.
35. دعاء داخل کعبه و يا داخل حجر که نماز در آن بمثابه نماز در خانه کعبه است.
36. دعاء بر کوه صفا.
37. دعاء برکوه مروه.
38. دعاء در مشعر حرام.

البته همانطور که اشاره رفت، یک فرد مؤمن و مسلمان همیشه در رابطه مستقیم وتنگاتنگ با پروردگارش است، و همیشه و در همه جا او را و تنها او را مستقیما و بدون هیچ واسطه‌ای می‌خواند، چرا که فرموده اوست: ﴿وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌۖ أُجِيبُ دَعۡوَةَ ٱلدَّاعِ إِذَا دَعَانِۖ فَلۡيَسۡتَجِيبُواْ لِي وَلۡيُؤۡمِنُواْ بِي لَعَلَّهُمۡ يَرۡشُدُونَ ١٨٦﴾ [البقرة: 186]([[9]](#footnote-9)). با این وجود جاها و وقت‌هایی که ذکرش رفت جایگاه و مکانت خاص خودش را در نیایش و طلب آمرزش از پروردگار دارد. و اینها در واقع فرصت‌هایی است طلایی که مؤمن به طور خاص از آنها استفاده کرده خدایش را و تنها او را بدون هیچ واسطه‌ای می‌خواند!

دعاهايی از کلام الله مجيد

حمد و سپاس تنها از آن توست ای پروردگار يکتا، درود و سلام فرست بر پيام آور حقّت آخرين رسول هدايت و رستگاری.

1. ﴿رَبَّنَا ظَلَمۡنَآ أَنفُسَنَا وَإِن لَّمۡ تَغۡفِرۡ لَنَا وَتَرۡحَمۡنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ ٱلۡخَٰسِرِينَ ٢٣﴾ [الأعراف: 23].

«بارالها، ما با نافرمانی دستورات تو به خويشتن ظلم و ستم ورزيده‌ايم و اگر ما را نيامرزی و بر ما رحم و شفقت نورزی از زيانکاران خواهيم شد ...».

1. ﴿رَبِّ إِنِّيٓ أَعُوذُ بِكَ أَنۡ أَسۡ‍َٔلَكَ مَا لَيۡسَ لِي بِهِۦ عِلۡمٞۖ وَإِلَّا تَغۡفِرۡ لِي وَتَرۡحَمۡنِيٓ أَكُن مِّنَ ٱلۡخَٰسِرِينَ ٤٧﴾ [هود: 47].

«پروردگارا، عاجزانه از درگاه تو می‌خواهم که مرا در پناه خويش حفظ داری از اينکه از تو چيزی بخواهم که بدان آگاهی ندارم، بارالها، اگر بر من نبخشائی و مرا مورد لطف و شفقت خويش قرار ندهی از زيانکاران و هلاک شده گان خواهم شد».

1. ﴿رَّبِّ ٱغۡفِرۡ لِي وَلِوَٰلِدَيَّ وَلِمَن دَخَلَ بَيۡتِيَ مُؤۡمِنٗا وَلِلۡمُؤۡمِنِينَ وَٱلۡمُؤۡمِنَٰتِۖ﴾ [النوح: 28].

«پروردگارا، من و پدر و مادرم و هر آنکسی از مؤمنان که به خانه من درآيد و همه مردان و زنان مؤمن و متعهد را بيامرز و ببخشای».

1. ﴿وَإِذۡ يَرۡفَعُ إِبۡرَٰهِ‍ۧمُ ٱلۡقَوَاعِدَ مِنَ ٱلۡبَيۡتِ وَإِسۡمَٰعِيلُ رَبَّنَا تَقَبَّلۡ مِنَّآۖ إِنَّكَ أَنتَ ٱلسَّمِيعُ ٱلۡعَلِيمُ ١٢٧ رَبَّنَا وَٱجۡعَلۡنَا مُسۡلِمَيۡنِ لَكَ وَمِن ذُرِّيَّتِنَآ أُمَّةٗ مُّسۡلِمَةٗ لَّكَ وَأَرِنَا مَنَاسِكَنَا وَتُبۡ عَلَيۡنَآۖ إِنَّكَ أَنتَ ٱلتَّوَّابُ ٱلرَّحِيمُ ١٢٨﴾ [البقرة: 127-128].

«بارالها، کارها و نيکی‌هايمان را از ما پذيرا باش که تو بر همه چيز آگاه و شنوائی.

و ببخشای ما را که تويی بخشاينده‌ی مهربان».

1. ﴿رَبِّ ٱجۡعَلۡنِي مُقِيمَ ٱلصَّلَوٰةِ وَمِن ذُرِّيَّتِيۚ رَبَّنَا وَتَقَبَّلۡ دُعَآءِ ٤٠﴾ [إبراهيم: 40].

«بارالها، من و فرزندانم را مؤمنانی متعهد و نمازگذار گردان و دعاء و نيايش مرا قبول درگاهت کن».

1. ﴿رَبَّنَا ٱغۡفِرۡ لِي وَلِوَٰلِدَيَّ وَلِلۡمُؤۡمِنِينَ يَوۡمَ يَقُومُ ٱلۡحِسَابُ ٤١﴾[إبراهيم:41].

«پروردگارا، در روز قيامت و رستاخيز مرا و پدر و مادرم و ساير مؤمنان را ببخشای و بيامرز».

1. ﴿رَبِّ هَبۡ لِي حُكۡمٗا وَأَلۡحِقۡنِي بِٱلصَّٰلِحِينَ ٨٣ وَٱجۡعَل لِّي لِسَانَ صِدۡقٖ فِي ٱلۡأٓخِرِينَ ٨٤ وَٱجۡعَلۡنِي مِن وَرَثَةِ جَنَّةِ ٱلنَّعِيمِ ٨٥ وَٱغۡفِرۡ لِأَبِيٓ إِنَّهُۥ كَانَ مِنَ ٱلضَّآلِّينَ ٨٦ وَلَا تُخۡزِنِي يَوۡمَ يُبۡعَثُونَ ٨٧﴾ [الشعراء: 83-87].

«پروردگارا، بر من کمال و معرفت ارزانی دار و مرا از زمره پاکان و شايستگان قرار ده، و نامی نيک و ذکر خيری از من بر زبان آيندگان جاری دار، و مرا ازآنانی قرار ده که در پرتو ايمان به بهشت برين دست می‌يابند».

«و در روز رستاخيز که همگان دوباره برانگيخته می‌شوند خوار و رسوايم مگردان».

1. ﴿رَبِّ هَبۡ لِي مِنَ ٱلصَّٰلِحِينَ ١٠٠﴾ [الصافات: 100].

«بارالها، فرزندان شايسته و نيکوکاری بمن ارزانی دار».

1. ﴿..رَّبَّنَا عَلَيۡكَ تَوَكَّلۡنَا وَإِلَيۡكَ أَنَبۡنَا وَإِلَيۡكَ ٱلۡمَصِيرُ ٤﴾ [الممتحنة: 4].

«پروردگارا، به تو توکل جسته‌ايم و بسوی تو روی آورده‌ايم و بازگشت همگان بسوی توست».

1. ﴿رَبَّنَا لَا تَجۡعَلۡنَا فِتۡنَةٗ لِّلَّذِينَ كَفَرُواْ وَٱغۡفِرۡ لَنَا رَبَّنَآۖ إِنَّكَ أَنتَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡحَكِيمُ ٥﴾ [الممتحنة: 5].

«بارالها، کافران را بر ما چيره مگردان و ما را سبب روی گردانی آنان از دينت مساز، پروردگارا، ببخشای ما را که تو بر همه چيز توانا و دانايی».

1. ﴿رَبِّ أَوۡزِعۡنِيٓ أَنۡ أَشۡكُرَ نِعۡمَتَكَ ٱلَّتِيٓ أَنۡعَمۡتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَٰلِدَيَّ وَأَنۡ أَعۡمَلَ صَٰلِحٗا تَرۡضَىٰهُ وَأَدۡخِلۡنِي بِرَحۡمَتِكَ فِي عِبَادِكَ ٱلصَّٰلِحِينَ ١٩﴾ [النمل: 19].

«بارالها، مرا توفيق آن ده که شکر نعمت‌هايی که به من و پدر و مادرم ارزانی داشته‌ای بجای آورم، و در کارهای نيک و أعمال شايسته‌ای که تو بدانها راضی و خشنودی ياريم ده و در پرتو فضل و رحمت و سخاوتت مرا از بندگان شايسته و نيکوکارت قرار ده».

1. ﴿رَبِّ هَبۡ لِي مِن لَّدُنكَ ذُرِّيَّةٗ طَيِّبَةًۖ إِنَّكَ سَمِيعُ ٱلدُّعَآءِ ٣٨﴾ [آل‌عمران: 38].

«پروردگارا، از درگاه کرم و سخاوتت بمن فرزندی نيکوکار و شايسته ارزانی دار، الهی تويی شنونده دعاء و پذيرنده تمنا».

1. ﴿رَبِّ لَا تَذَرۡنِي فَرۡدٗا وَأَنتَ خَيۡرُ ٱلۡوَٰرِثِينَ ٨٩﴾ [الأنبياء: 89].

«بارالها، مرا بی‌کس و تنها رها مکن، الهی پس از مرگمان تو بهترين وارث و حافظ و پناه‌دهنده مائی».

1. ﴿... لَّآ إِلَٰهَ إِلَّآ أَنتَ سُبۡحَٰنَكَ إِنِّي كُنتُ مِنَ ٱلظَّٰلِمِينَ ٨٧﴾ [الأنبياء:87].

«پروردگارا، هيچ إله و معبودی نيست مگر تو، تو پاکی و منزه از آنچه به تو تهمت زده‌اند.

درياب مرا و بيامرز بر من که من با نافرمانی تو به خویشتن ستم‌ها روا داشته‌ام».

1. ﴿رَبِّ ٱشۡرَحۡ لِي صَدۡرِي ٢٥ وَيَسِّرۡ لِيٓ أَمۡرِي ٢٦ وَٱحۡلُلۡ عُقۡدَةٗ مِّن لِّسَانِي ٢٧ يَفۡقَهُواْ قَوۡلِي ٢٨﴾ [طه: 25-28].

«بارالها، سينه‌ام را برای پذيرش فرامينت گشاده گردان، و کارهايم را بر من آسان ساز، و گره و لکنت از زبانم بردار تا مردمان سخنم بفهمند و به دعوت و تبليغ رسالتم گوش فرا دهند».

1. ﴿...قَالَ رَبِّ إِنِّي ظَلَمۡتُ نَفۡسِي فَٱغۡفِرۡ لِي...﴾ [القصص: 16].

«پروردگارا، ببخشای مرا که من برخود ظلم و ستم روا داشته‌ام».

1. ﴿رَبَّنَآ ءَامَنَّا بِمَآ أَنزَلۡتَ وَٱتَّبَعۡنَا ٱلرَّسُولَ فَٱكۡتُبۡنَا مَعَ ٱلشَّٰهِدِينَ ٥٣﴾ [آل عمران: 53].

«بارالها، ما بدانچه بر پيامبرت فرو فرستادی ايمان آورديم و از او پيروی نموديم، پس ما را با راستگويان و شاهدان و گواهان حق محشور فرما».

1. ﴿رَبَّنَا لَا تَجۡعَلۡنَا فِتۡنَةٗ لِّلۡقَوۡمِ ٱلظَّٰلِمِينَ ٨٥ وَنَجِّنَا بِرَحۡمَتِكَ مِنَ ٱلۡقَوۡمِ ٱلۡكَٰفِرِينَ ٨٦﴾ [يونس: 85-86].

«الهی ما را آزمون آزار و بلای ستمگران و ظالمان قرار مده و با فضل و رحمت خويش ما را از آماج فتنه و بلاهای کافران نجات بخش».

1. ﴿... رَبَّنَا ٱغۡفِرۡ لَنَا ذُنُوبَنَا وَإِسۡرَافَنَا فِيٓ أَمۡرِنَا وَثَبِّتۡ أَقۡدَامَنَا وَٱنصُرۡنَا عَلَى ٱلۡقَوۡمِ ٱلۡكَٰفِرِينَ ١٤٧﴾ [آل عمران: 147].

«پروردگارا، ببخشای بر ما گناهان‌مان را و از زياده‌روی‌ها و تندروی‌هايمان درگذر و ما را در راهت ثابت قدم دار و بر ملت‌های کافر پيروزمان گردان».

1. ﴿... رَبَّنَآ ءَاتِنَا مِن لَّدُنكَ رَحۡمَةٗ وَهَيِّئۡ لَنَا مِنۡ أَمۡرِنَا رَشَدٗا ١٠﴾ [الكهف: 10].

«بارالها، از درگه بزرگيت بر ما رحمت و شفقت ارزانی دار، و در کارها و أمور زندگيمان سرفرازمان گردان».

1. ﴿... رَّبِّ زِدۡنِي عِلۡمٗا ١١٤﴾ [طه: 114].

«پروردگارا، بر علم و دانش و معرفت و فهمم بيفزای».

1. ﴿...رَّبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنۡ هَمَزَٰتِ ٱلشَّيَٰطِينِ ٩٧ وَأَعُوذُ بِكَ رَبِّ أَن يَحۡضُرُونِ ٩٨﴾ [المؤمنون: 97-98].

«الهی، مرا از وسوسه‌ها و تحريکات شيطان‌ها در پناه خود حفظ گردان و از اينکه در کالبدم رسوخ کنند و از تو دورم گردانند در امانم دار».

1. ﴿... رَّبِّ ٱغۡفِرۡ وَٱرۡحَمۡ وَأَنتَ خَيۡرُ ٱلرَّٰحِمِينَ ١١٨﴾ [المؤمنون: 118].

«بارالها، ببخشای ما را و رحم و شفقتت را بر ما ارزانی دار چه که تو مهربان‌ترين بخشايندگانی».

1. ﴿...رَبَّنَآ ءَاتِنَا فِي ٱلدُّنۡيَا حَسَنَةٗ وَفِي ٱلۡأٓخِرَةِ حَسَنَةٗ وَقِنَا عَذَابَ ٱلنَّارِ ٢٠١﴾ [البقرة: 201].

«بارالها، در دنيا به ما خير ارزانی دار و سرای آخرتمان را خوشبخت و با سعادت گردان و مارا از عذاب آتش جهنم برهان».

1. ﴿... سَمِعۡنَا وَأَطَعۡنَاۖ غُفۡرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيۡكَ ٱلۡمَصِيرُ ٢٨٥﴾ [البقرة: 285].

«الهی، ما دستورات و اوامر تو را شنيديم و کمر طاعت بدانها بسته‌ايم، پروردگارا ببخشای ما را که بازگشت همه ما بسوی توست».

1. ﴿... رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذۡنَآ إِن نَّسِينَآ أَوۡ أَخۡطَأۡنَاۚ رَبَّنَا وَلَا تَحۡمِلۡ عَلَيۡنَآ إِصۡرٗا كَمَا حَمَلۡتَهُۥ عَلَى ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِنَاۚ رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلۡنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِۦۖ وَٱعۡفُ عَنَّا وَٱغۡفِرۡ لَنَا وَٱرۡحَمۡنَآۚ أَنتَ مَوۡلَىٰنَا فَٱنصُرۡنَا عَلَى ٱلۡقَوۡمِ ٱلۡكَٰفِرِينَ ٢٨٦﴾ [البقرة: 286].

بارالها، ما را بر اشتباهات و فراموشی‌هايمان باز خواست مکن، الهی، بار تکاليف و مسؤليت‌های سنگين را آنچنانکه بر دوش ملت‌های پيشين، بسبب گناهان و معصيت‌هايشان، گذاشته بودی بر دوش ما مگذار، پروردگارا بر ما آنچه که ما را يارای آن نيست و از قدرت و توان‌مان خارج است تحميل مگردان، و از گناهان‌مان درگذر و ما را مورد عفو و بخشش و رحمت و شفقت خويش قرار ده، تويی يار و ياور ما، پس ما را بر ملت‌های کافر پيروز گردان.

1. ﴿رَبَّنَا لَا تُزِغۡ قُلُوبَنَا بَعۡدَ إِذۡ هَدَيۡتَنَا وَهَبۡ لَنَا مِن لَّدُنكَ رَحۡمَةًۚ إِنَّكَ أَنتَ ٱلۡوَهَّابُ ٨﴾ [آل عمران: 8].

«بارالها، پس از آنکه لذت و حلاوت ايمان را به قلب‌هايمان چشاندی آنها را از راه سعادت گمراه و سرگردان مکن، و از درگاه خودت به ما رحمتی ارزانی دار که تنها تويی سخاوتمندترين بخشايشگران».

1. ﴿... رَبَّنَا مَا خَلَقۡتَ هَٰذَا بَٰطِلٗا سُبۡحَٰنَكَ فَقِنَا عَذَابَ ٱلنَّارِ ١٩١ رَبَّنَآ إِنَّكَ مَن تُدۡخِلِ ٱلنَّارَ فَقَدۡ أَخۡزَيۡتَهُۥۖ وَمَا لِلظَّٰلِمِينَ مِنۡ أَنصَارٖ ١٩٢ رَّبَّنَآ إِنَّنَا سَمِعۡنَا مُنَادِيٗا يُنَادِي لِلۡإِيمَٰنِ أَنۡ ءَامِنُواْ بِرَبِّكُمۡ فَ‍َٔامَنَّاۚ رَبَّنَا فَٱغۡفِرۡ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرۡ عَنَّا سَيِّ‍َٔاتِنَا وَتَوَفَّنَا مَعَ ٱلۡأَبۡرَارِ ١٩٣ رَبَّنَا وَءَاتِنَا مَا وَعَدتَّنَا عَلَىٰ رُسُلِكَ وَلَا تُخۡزِنَا يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِۖ إِنَّكَ لَا تُخۡلِفُ ٱلۡمِيعَادَ ١٩٤﴾ [آل عمران: 191-194].

«پروردگارا، تو اين گيتی و جهان هستی را بيهوده نيافريدی، الهی، تو پاک و منزهی از تهمت‌هايی که به تو روا می‌دارند، ما را از عذاب جهنم در امان دار. بارالها، هرکه را تو به آتش افکنی خوار و زبونش ساخته‌ای و ستمگران و ظالمان را هيچ يار و ياوری نيست.

پروردگارا، ما ندای حق و ايمان را از فرستاده‌ات که بسوی نجات و رستگاری می‌خواند و می‌گفت به پروردگارتان ايمان آوريد شنيديم و بدو گرويديم. بارالها، پس ببخشای بر ما گناهان‌مان را و درگذر از زشتی‌ها و خطاهای‌مان و ما را در زمره نيکوکاران بميران.

پروردگارا، آنچه بر زبان پيامبرانت به ما وعده داده بودی را به ما ارزانی دار، و ما را در روز قيامت خوار و زبون مگردان، به راستی که تو بر وعده‌هايت پايداری و هرگز خلاف وعده نخواهی کرد».

1. ﴿رَبَّنَآ ءَامَنَّا فَٱغۡفِرۡ لَنَا وَٱرۡحَمۡنَا وَأَنتَ خَيۡرُ ٱلرَّٰحِمِينَ ١٠٩﴾ [المؤمنون:109].

«بارالها، ما بتو ايمان آورده‌ايم پس ببخشای بر ما گناهانمان را و ما را مورد رحم و شفقت قرار ده که تو بهترين رحم کنندگانی».

1. ﴿... رَبَّنَا ٱصۡرِفۡ عَنَّا عَذَابَ جَهَنَّمَۖ إِنَّ عَذَابَهَا كَانَ غَرَامًا ٦٥ إِنَّهَا سَآءَتۡ مُسۡتَقَرّٗا وَمُقَامٗا ٦٦﴾ [الفرقان: 65-66].

«پروردگارا، عذاب دردناک دوزخ را از ما دورگردان، عذابی که اگر گريبانگير کسی شود تا ابد از او دست نخواهد کشيد او را رسوا و حيران می‌کند. دوزخ بس جايگاه و مأوای بد و دردآوری است».

1. ﴿رَبَّنَا هَبۡ لَنَا مِنۡ أَزۡوَٰجِنَا وَذُرِّيَّٰتِنَا قُرَّةَ أَعۡيُنٖ وَٱجۡعَلۡنَا لِلۡمُتَّقِينَ إِمَامًا ٧٤﴾ [الفرقان: 74].

«بارالها، بما همسران و فرزندانی ارزانی دار که باعث چشم روشنی و سعادت و خوشبختی‌مان شوند، و ما را پيشوای مؤمنان و متقيان قرار ده».

1. ﴿... رَبِّ أَوۡزِعۡنِيٓ أَنۡ أَشۡكُرَ نِعۡمَتَكَ ٱلَّتِيٓ أَنۡعَمۡتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَٰلِدَيَّ وَأَنۡ أَعۡمَلَ صَٰلِحٗا تَرۡضَىٰهُ وَأَصۡلِحۡ لِي فِي ذُرِّيَّتِيٓۖ إِنِّي تُبۡتُ إِلَيۡكَ وَإِنِّي مِنَ ٱلۡمُسۡلِمِينَ ١٥﴾ [الأحقاف: 15].

«پروردگارا، مرا توفيق آن ده که شکر و سپاس نعمت‌هايی که بمن و پدر و مادرم ارزانی داشته‌ای بجای آورم، و همواره در راه نيکوئی‌ها و خشنودی تو گام بردارم. بارالها، فرزندانی و دودمانی صالح و پرهيزکار بمن عطا فرما. الهی، من از همه گناهان و معصيت‌هايم توبه کرده متعهد و مسلمان بسوی تو آمده‌ام».

1. ﴿... رَبَّنَا ٱغۡفِرۡ لَنَا وَلِإِخۡوَٰنِنَا ٱلَّذِينَ سَبَقُونَا بِٱلۡإِيمَٰنِ وَلَا تَجۡعَلۡ فِي قُلُوبِنَا غِلّٗا لِّلَّذِينَ ءَامَنُواْ رَبَّنَآ إِنَّكَ رَءُوفٞ رَّحِيمٌ ١٠﴾ [الحشر: 10].

«پروردگارا، از گناهان و معصيت‌های ما و برادرانمان که در راه ايمان بر ما پيشی گرفتند درگذر، و ما را بيامرز.

الهی، در قلب‌ها و دل‌های ما هيچ کينه و حقدی بر مسلمانی جای مده. بارالها، تو بسيار رئوف و مهربان و بخشنده‌ای».

1. ﴿... رَبَّنَآ أَتۡمِمۡ لَنَا نُورَنَا وَٱغۡفِرۡ لَنَآۖ إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٞ ٨﴾ [التحريم: 8].

«بارالها، پرتو نور ايمانمان را در راه رسيدن به بهشت برين کامل گردان و ببخشای بر ما گناهان‌مان را. الهی، تنها تو بر همه چيز قادر و توانائی».

1. ﴿... رَبَّنَآ إِنَّنَآ ءَامَنَّا فَٱغۡفِرۡ لَنَا ذُنُوبَنَا وَقِنَا عَذَابَ ٱلنَّارِ ١٦﴾ [آل‌عمران: 16].

«پروردگارا، ما به حقانيت تو ايمان آورديم، پس گناهانمان را بيامرز و ما را از عذاب دردناک آتش جهنم برهان».

1. ﴿... رَبَّنَآ ءَامَنَّا فَٱكۡتُبۡنَا مَعَ ٱلشَّٰهِدِينَ ٨٣﴾ [المائدة: 83].

«بارالها، ما به دين مبين اسلام ايمان آورديم، پس ما را در زمره امت محمد شاهدان و گواهانی قرار ده بر ملت‌های ديگر».

1. ﴿رَبِّ ٱجۡعَلۡ هَٰذَا ٱلۡبَلَدَ ءَامِنٗا وَٱجۡنُبۡنِي وَبَنِيَّ أَن نَّعۡبُدَ ٱلۡأَصۡنَامَ ٣٥﴾ [إبراهيم: 35].

«پروردگارا، اين سرزمين را در امن و امان و آرامش قرارده و من و فرزندانم را از بت‌پرستی و شرک دوری ده».

1. ﴿...رَبِّ إِنِّي لِمَآ أَنزَلۡتَ إِلَيَّ مِنۡ خَيۡرٖ فَقِيرٞ ٢٤﴾ [القصص: 24].

«بارالها، من بهر آنچيزی که بمن عطا فرمايی محتاج و نيازمندم».

1. ﴿... رَبِّ ٱنصُرۡنِي عَلَى ٱلۡقَوۡمِ ٱلۡمُفۡسِدِينَ ٣٠﴾ [العنكبوت: 30].

«پروردگارا، مرا بر ملت‌های فاسد پيروز گردان».

1. ﴿... رَبَّنَا لَا تَجۡعَلۡنَا مَعَ ٱلۡقَوۡمِ ٱلظَّٰلِمِينَ ٤٧﴾ [الأعراف: 47].

«بارالها، ما را با گروه‌ها و ملت‌های ستمگر و ظالم همراه و هم پيمان مگردان».

1. ﴿حَسۡبِيَ ٱللَّهُ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَۖ عَلَيۡهِ تَوَكَّلۡتُۖ وَهُوَ رَبُّ ٱلۡعَرۡشِ ٱلۡعَظِيمِ ١٢٩﴾ [التوبة: 129].

«خدا دارم چه غم دارم، او مرا کافی و بسنده است، جز او هيچ إله و معبودی نيست، به او توکل و توسل جسته‌ام و تنها او پادشاه آسمان‌ها و زمين است».

1. ﴿... عَسَىٰ رَبِّيٓ أَن يَهۡدِيَنِي سَوَآءَ ٱلسَّبِيلِ ٢٢﴾ [القصص: 22].

«بارإلها، به تو آرزو و اميد بسته‌ام که مرا به راه راست هدايت فرمايی».

1. ﴿... رَبِّ نَجِّنِي مِنَ ٱلۡقَوۡمِ ٱلظَّٰلِمِينَ ٢١﴾ [القصص: 21].

«پروردگارا، از چنگ ظالمان و ستمگران نجاتم بخش».

دعاهایی از نیایش پیامبر اکرم ج

1. «اللَّهُمَّ آتِنَا فِي الدُّنيَا حَسَنَةً وَفِي الآخِرَةِ حَسَنَةً، وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ»([[10]](#footnote-10)).

«بارالها، در دنيا به ما نيکی ارزانی دار، و در آخرت بر ما احسان کن، و ما را از عذاب دردناک آتش جهنم برهان».

1. «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِن فِتنَةِ النَّارِ وَعَذَابِ النَّارِ، وَفِتنَةِ القَبرِ، وَعَذَابِ القَبرِ، وَشَرِّ فِتنَةِ الغِنَی، وَشَرِّ فِتنَةِ الفَقرِ، اللَّهُمَّ إِني أَعُوذُ بِكَ مِن شَرِّ فِتنَةِ المَسِيحِ الدَّجَّالِ، اللَّهُمَّ اغسِل قَلبِي بِمَاءِ الثَّلجِ وَالبَرَدِ، وَنَقِّ قَلبِي مِنَ الخَطَايَا کَمَا نَقَّيتَ الثَّوبَ الأَبيَضَ مِنَ الدَّنَسِ، وَبَاعِد بَينِي وَبَينَ خَطَايَايَ کَمَا بَاعَدتَ بَينَ المَشرِقِ وَالمَغرِبِ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الکَسَلِ وَالـمَأثَمِ وَالـمَغرَمِ»([[11]](#footnote-11)).

«الهی، من از فتنه آتش، و از عذاب جهنم و از فتنه و آزمايش قبر و از عذاب قبر و از بدام افتادن در فتنه مال و ثروت و از درگيری با فتنه و فساد فقر و ناداری به تو پناه می‌برم.

الهی، من از هلاکت در فتنه مسيح دجال به تو پناه می‌آورم.

بارالها، قلب مرا با آب برف و يخ شسته به من آرامش قلب عطا فرما، و قلبم را از گناهان، چون پارچه سفيدی که از آلودگی پاک است، پاک گردان، و بين من و گناهانم دوری افکن آنگونه که ما بین مشرق و مغرب دوری افکنده‌ای.

الهی، من از سستی و تنبلی و گناه و معصيت و خسارت و دربدری به درگاه تو پناه می‌آورم».

1. «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ العَجزِ وَالکَسَلِ، وَالجُبنِ وَالهَرَمِ وَالبُخلِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِن عَذَابِ القَبرِ، وَمِن فِتنَةِ الـمَحيَاءِ وَالـمَمَاتِ»([[12]](#footnote-12)).

«الهی، من از ناتوانی و سستی و از ترس و وحشت و پيری و بخيلی به تو پناه می‌برم، بارالها، از عذاب قبر و لغزش در امتحان و آزمايش زندگی و مرگ نجاتم ده».

1. «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِن جَهدِ البَلَاءِ، وَدَرَكِ الشَّقَاءِ، وَسُوءِ القَضَاءِ، وَشَمَاتَةِ الأَعدَاءِ»([[13]](#footnote-13)).

«پروردگارا، من از سختی بلاها و شدت مصيبت‌ها، و از شقاوت و بدبختی‌ها و از آينده تاريک (و قضاء بد) و از شادمانی دشمنان بحال و روزم، به درگاه تو پناه می‌جويم».

1. «اللَّهُمَّ أَصلِح لِي دِينِي الَّذِي هُوَ عِصمَةُ أَمرِي، وَأَصلِح لِي دُنيَايَ الَّتي فِيهَا مَعَاشِي، وأَصلِح لِي آخِرَتِي الَّتِي فِيهَا مَعَادِي، وَاجعَل الحَيَاةَ زِيَادَةً لِي فِي کُلِّ خَيرٍ، وَاجعَلِ الـمَوتَ رَاحَةً لِي مِن کُلِّ شَرٍّ»([[14]](#footnote-14)).

«بارالها، ديانتداری مرا اصلاح گردان که صلاح و موفقيت در کارهايم بر آن است، و دنيايم را پاک ساز که حيات و زندگيم در آن است، و آخرتم را نيکوکن که بازگشتم بسوی آنست. و همواره خير و خوبی‌ها را بر زندگيم بيفزا و با مرگ مرا از همه زشتی‌ها و بدی‌ها برهان».

1. «اللَّهُمَّ إِنِّی أَسأَلُكَ الهُدَی وَالتُّقَی، وَالعَفَافَ، وَالغِنَی»([[15]](#footnote-15)).

«الهی، بمن هدايت و رستگاری، تقوا و پاکدامنی، ثروت و قناعت ارزانی دار».

1. «اللَّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ بِكَ مِنَ العَجزِ، وَالکَسَلِ، وَالـجُبنِ، وَالبُخلِ، وَالهَرَمِ، وعَذَابِ القَبرِ، اللَّهُمَّ آتِ نَفسِي تَقوَاهَا، وَزَکِّهَا أَنتَ خَيرُ مَن زَکَّاهَا. أَنتَ وَلِيُّهَا وَمَولَاهَا. اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِن عِلمٍ لَا ينفَعُ، وَمِن قَلبٍ لَا يَخشَعُ، وَمِن نَفسٍ لَا تَشبَعُ، وَمِن دَعوَةٍ لَا يُستَجَابُ لَها»([[16]](#footnote-16)).

«الهی، من از تنبلی و ناتوانی، ترسويی و بخيلی، پيری و عذاب قبر به تو پناه می‌برم.

بارالها، به نفس من تقوا ارزانی دار و آن را پاک ساز که تو از همه به پاکی آن تواناتری، تو صاحب امر و مالک آنی.

الهی، من از علم بيهوده و بی‌فايده و از قلبی که از تو هراس و ترسی ندارد، و از جان و تنی که سيری و قناعت نمی‌شناسد و از دعائی که پذيرفته درگاهت نيست به تو پناه می‌برم».

1. «اللَّهُمَّ اهدِنِي وَسَدِّدنِي، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسأَلُكَ الـهُدَی وَالسَّدَادَ»([[17]](#footnote-17)).

«الهی، مرا هدايت ده و در راه حق ثابت قدم دار. الهی، به من هدايت و رستگاری و استقامت ارزانی کن».

1. «اللَّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ بِكَ مِن زَوَالِ نِعمَتِكَ، وَتَحَوُّلِ عَافِيَتِكَ، وَفُجَاءَةِ نِقمَتِكَ، وَجَمِيعِ سَخَطِكَ»([[18]](#footnote-18)).

«بارالها، من از اينکه نعمت‌هايت از من گرفته شود، و سلامتی و عافيتی را که به من ارزانی داشته‌ای از دست دهم و از اينکه ناگهان مورد خشم و غضب تو قرار گيرم، و از همه خشم و نارضايتی‌ات بتو پناه می‌آورم».

1. «اللَّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ بِكَ مِن شَرِّ مَا عَمِلتُ وَمِن شَرِّ مَا لَم أَعمَل»([[19]](#footnote-19)).

«الهی، من از شر و بلای آنچه از من سر زده و از شر و زشتی آنچه مرتکب نشده‌ام به درگاه تو پناه می‌برم».

1. «اللَّهُمَّ أَکثِر مَالِي، وَوَلَدِي، وَبَارِك لِي فِيمَا أَعطَيتَنِی»([[20]](#footnote-20)).«[وَأَطِل حَيَاتِي عَلَی طَاعَتِكَ وَأَحسِن عَمَلِي] وَاغفِرلِي»([[21]](#footnote-21)).

«پروردگارا، مال و فرزندم را زيادگردان و در آنچه به من ارزانی داشته‌ای برکت ده».

«و به من زندگی طولانی ده تا عبادتت بجای آورم و اعمالم را نيکوساز و از من درگذر».

1. «لا إِلهَ إِلَّا اللَّـهُ العَظِيمُ الـحَلِيمُ، لا إِلهَ إِلَّا اللَّـهُ رَبُّ العَرشِ العَظِيمِ، لَا إِلهَ إِلَّا اللَّـهُ رَبُّ السَّموَاتِ، وَرَبُّ الأَرضِ، وَرَبُّ العَرشِ الکَرِيمِ»([[22]](#footnote-22)).

هيچ معبودی لائق پرستش نيست مگر پروردگار بزرگ و بردبار، جز آفريننده و پادشاه آسمان‌ها و زمين هيچ معبودی شايستگی پرستش ندارد، هيچ إله و معبودی نيست مگر الله تعالی، پروردگار آسمان‌ها و زمين، پروردگار بخشاينده و مهربان، مالک و صاحب عرش بزرگ، شاهنشه جهان آفرينش.

1. «اللَّهُمَّ رَحمَتَكَ أَرجُو فَلَا تَکِلنِي إِلَی نَفسِي طَرفَةَ عَينٍ، وَأَصلِح لِي شَأنِي کُلَّهُ، لَا إِلهَ إِلَّا أَنتَ»([[23]](#footnote-23)).

«الهی، برحمتت چشم أميد دوخته‌ام، پس مرا لحظه‌ای به حال خود وامگذار، همه کارها و أمورم را نيکو گردان، هيچ الهی و معبودی نيست مگر ذات پاک تو».

1. «لَا إِلهَ إِلَّا أَنتَ سُبحَانَكَ إِنِّی کُنتُ مِنَ الظَّالِمِين»([[24]](#footnote-24)).

«هيچ إله و معبودی نيست مگر ذات پاکت، تو پاکی و منزه، منم که برخود ظلم و ستم روا داشته‌ام».

1. «اللَّهُمَّ إِنِّی عَبدُكَ ابنُ عَبدِكَ، ابنُ أَمَتِكَ، نَاصِيَتِي بِيَدِكَ، مَاضٍ فِيَّ حُکمُكَ، عَدلٌ فِيَّ قَضَاؤُكَ. أَسأَلُكَ بِکُلِّ اسمٍ هُوَ لكَ سَمَّيتَ بِهِ نَفسَكَ، أَو أَنزَلتَهُ فِي کِتَابِكَ، أَو عَلَّمتَهُ أَحَداً مِن خَلقِكَ، أَوِ استَأثَرتَ بِهِ فِي عِلمِ الغَيبِ عِندَكَ، أَن تجعَلَ القُرآنَ رَبِيعَ قَلبِي، ونُورَ صَدرِي، وَجَلَاءَ حُزنِي، وَذَهَابَ هَمِّي»([[25]](#footnote-25)).

«بارالها، من بنده و برده تو، فرزند برده تو، فرزند کنيز دربارت، امورم همه در توان و قدرت و اختيارت، هر آنچه امر کنی بر من روا است و هر حکمی در حق من صادر کنی عدل است و داد، به هر اسمی که شايسته بزرگی توست و بدان خودت را نام نهاده‌ای يا که در کتابت آورده‌ای، يا که به بنده‌ای از بندگانت آموخته‌ای، و يا که در علم غيبت محفوظ داشته‌ای، از تو می‌خواهم که قرآن را بهار قلبم و نور سينه‌ام و جلادهنده غم و اندوهم و پاک‌کننده ناراحتی‌هايم سازی».

1. «اللَّهُمَّ مُصَرِّفَ القُلُوبِ صَرِّف قُلُوبَنَا عَلَی طَاعَتِكَ»([[26]](#footnote-26)).

«پروردگارا، ای جهت‌دهنده قلب‌ها، قلب‌هايمان را بسوی عبادتت رهنمون ساز».

1. «يَا مُقَلِّبَ القُلُوبِ ثَبِّت قَلبِي عَلَی دِينِكَ»([[27]](#footnote-27)).

«ای آنکه همه قلب‌ها در تصرف قدرت و توان توست، قلبم را بر دينت پايدار دار».

1. «اللَّهُمَّ إِنِّی أَسأَلُكَ العَافِيَةَ فِي الدُّنيَا وَالآخِرَةِ»([[28]](#footnote-28)).

«الهی، من سلامت و عافيت دنيا و آخرتم را از درگاه تو می‌جويم».

1. «اللَّهُمَّ أَحسِن عَاقِبَتَنَا فِي الأُمُورِ کُلِّهَا، وَأَجِرنَا مِن خِزيِ الدُّنيَا وَعَذَابِ الآخِرَةِ»([[29]](#footnote-29)).

«بارالها، عاقبت و سرانجام‌مان در همه کارها و شئون زندگی‌مان را نيکو گردان و ما را از ذلت و خواری دنيا و عذاب قيامت در امان دار».

1. «رَبِّ أَعِنِّی وَلَا تُعِن عَلَيَّ، وَانصُرنِي وَلَا تَنصُر عَلَيَّ، وَامکُر لِي وَلَا تَمکُر عَلَيَّ، وَاهدِنِي وَيسِّرِ الـهُدَی إِلَيَّ، وَانصُرنِي عَلَی مَن بَغَی عَلَيَّ، رَبِّ اجعَلنِي لَكَ شَکَّاراً، لَكَ ذَکَّاراً، لَكَ رَهَّاباً، لَكَ مِطوَاعاً، إِلَيكَ مُخبِتاً أَوَّاهاً مُنِيباً، رَبِّ تَقَبَّل تَوبَتِي، وَاغسِل حَوبَتِي، وَأَجِب دَعوَتِي، وَثَبِّت حُجَّتِي، وَاهدِ قَلبِي، وَسَدِّد لِسَانِي، وَاسلُل سَخِيمَةَ قَلبِي»([[30]](#footnote-30)).

«الهی، مرا ياری ده و کسی را برعليه من کمک و ياری مده، و مرا پيروز گردان و دشمنانم را بر من چيره مساز، و در کارهايم راه‌گشايم باش و موانع و سد راه برويم مساز، و مرا هدايت عطا فرموده، ره رستگاری و آسايش را برايم آسان فرما، و مرا بر کسانی که بر من شوريده‌اند پيروز گردان، بارالها، مرا شکرگذار نعمت‌هايت قرار ده، ذکر و يادت را بر زبانم جاری کن، توفيقم ده که جز از تو از کسی ترس و هراس نداشته باشم و هميشه مطيع و فرمانبردارت گردم و در سختی‌ها و دشواری‌ها بسويت‌ايم و از تو ياری و مدد جسته از گناهانم اظهار ندامت و پشيمانی کنم.

بارالها، توبه مرا قبول فرما و از گناهانم درگذر و دعاهايم را بپذير و مرا در راه حق ثابت قدم دار و قلبم را بسوی خويش راهنمايی کرده، زبانم را در راه حق راست گردان و زشتی‌ها و بدی‌ها را از قلبم بزدای».

1. «اللَّهُمَّ إِنَّا نَسأَلُكَ مِن خَيرِ مَا سَأَلَكَ مِنهُ نَبِيُّكَ مُحَمَّدٌ ج وَنَعُوذُ بِكَ مِن شَرِّ مَا استَعَاذ مِنهُ نَبِيُّكَ مُحَمَّدٌ ج وَأَنتَ الـمُستَعَانُ، وَعَلَيكَ البَلَاغُ وَلَا حَولَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ»([[31]](#footnote-31)).

«الهی، ما را از هر آنچه پيامبرت محمد ج از درگاهت مسألت داشته بهرمند ساز، و از شر هر آنچه پيامبرت محمد ج از شرش پناه جسته در امان دار، تنها از تو استعانت و کمک می‌جوئيم و تنها تو برآورنده حاجاتی، و هيچ قدرت و نيرويی نيست مگر با ياری و مدد تو.

1. «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِن شَرِّ سَمعِي، وَمِن شَرِّ بَصَرِي، وَمِن شَرِّ لِسَانِي، وَمِن شَرِّ قَلبِي، وَمِن شَرِّ مَنِيِّي»([[32]](#footnote-32)).

«بارالها، من از شر و بدی شنوائيم و از شرارت و زشتی بينائيم و از لغزش زبانم و ازشر قلبم و از شر و تجاوز هوی و هوس و شهوتم به تو پناه می‌جويم».

1. «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ البَرَصِ، وَالـجُنُونِ، وَالـجُذَامِ، وَمِن سَیِّءِ الأَسقَامِ»([[33]](#footnote-33)).

«الهی، من از پيسی، و از ديوانگی و از جزام و از همه بيماری‌های خطرناک به تو پناه می‌برم».

1. «اللَّهُمَّ إِنَّی أَعُوذُ بِكَ مِن مُنکَرَاتِ الأَخلَاقِ، وَالأَعمَالِ وَالأَهوَاءِ»([[34]](#footnote-34)).

«بارالها، من از اخلاق بد و کارهای زشت و هوسرانی به تو پناه می‌جويم».

1. «اللَّهُمَّ إِنَّكَ عَفُوٌّ کَرِيمٌ تُحِبُّ العَفوَ فَاعفُ عَنِّي»([[35]](#footnote-35)).

«الهی، تو کريمی و بخشاينده و بخشايش را می‌پسندی پس از من درگذر».

1. «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسأَلُكَ فِعلَ الخَيرَاتِ، وَتَرکَ الـمُنکَراتِ، وَحُبَّ الـمَسَاکِينِ، وَأَن تَغفِرَ لِي، وَتَرحَمَنِي، وَإِذَا أَرَدتَ فِتنَةَ قَومٍ فَتَوَفََّنِي غَيرَ مَفتُونٍ، وَأَسأَلُكَ حُبَّكَ، وَحُبَّ مَن يُحِبُّكَ، وَحُبَّ عَمَلٍ يُقَرِّبُنِی إِلَی حُبِّكَ»([[36]](#footnote-36)).

«بارالها، مرا در انجام کارهای خير ياری ده، و از زشتی‌ها بازدار، و دوستی و محبت بينوايان را در قلبم جای ده، و از من درگذر و رحمت و بخشايشت را نصيب حالم کن، و اگر خواستی قومی را به فتنه و امتحانی براندازی، بدون آزمايش و امتحان جانم بستان.

الهی، مرا از دوستيت و محبت دوستانت و محبت هرآنچه مرا بتو نزديک‌تر می‌سازد بهرمند ساز».

1. «اللَّهُمَّ إِنِّی أَسأَلُكَ مِنَ الـخَيرِکُلِّهِ: عَاجِلِهِ وَآجِلِهِ، مَا عَلِمتُ مِنهُ وَمَا لَم أَعلَم، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الشَّرِّ کُلِّهِ عَاجِـلِهِ وَآجِـلِهِ، مَا عَلِمتُ مِنهُ وَمَا لَم أَعلَم. اللَّهُمَّ إِنِّی أَسأَلُكَ مِن خَيرِ مَا سَأَلَكَ عَبدُكَ وَنَبِيُّكَ، وَأَعُوذُ بِكَ مِن شَرِّ [مَا استَعَاذَ بِك] [مِنهُ] عَبدُكَ وَنَبِيُّكَ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسأَلُكَ الـجَنَّةَ، وَمَا قَرَّبَ إِلَيهَا مِن قَولٍ أَو عَمَلٍ، وَأَعُوذُ بِكَ مِن النَّارِ وَمَا قَرَّبَ إِلَيهَا مِن قَولٍ أَو عَمَلٍ، وَأَسأَلُكَ أَن تَجعَلَ کُلَّ قَضَاءٍ قَضَيتَهُ لِي خَيراً»([[37]](#footnote-37)).

«الهی، من در دنيا و آخرتم از تو تمنای همه خوشی‌ها و خوبی‌ها را دارم، آن سعادت و خيری که از آن آگاهم و آنچه را که عقلم بدان نمی‌رسد، همه را از درگاهت مسألت دارم.

و از همه بدی‌ها و زشتی‌های دنيا و آخرت، آنچه را که از آن آگاهم و آنچه را که نمی‌دانم، از همه آنها بتو پناه می‌جويم.

بارالها، من از تو همه آن خير و خوبی‌هايی که بنده و فرستاده‌ات از تو طلب کرده را خواهانم، و از هر آن شر و بدی‌هايی که بنده و فرستاده‌ات بتو پناه جسته به تو پناه می‌جويم.

الهی، من از تو بهشت و هر آن سخن و کرداری که مرا به آن نزديک گرداند را خواهانم، و از آتش هولناک جهنم و هر آن سخن و کرداری که مرا بدان نزديک گرداند به تو پناه می‌جويم، و از تو می‌خواهم همه آنچه که در تقديرم رقم زده‌ای (قضا و قدرم) را نيکو گردانی».

1. «اللَّهُمَّ احفَظنِي بِالإِسلاَمِ قَائِماً، وَاحفَظنِي بِالإِسلَامِ قَاعِداً، وَاحفظنِي بالإسلامِ راقداً، وَلَا تُشمِت بِي عَدُوّاً وَلَا حَاسِداً. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسأَلُكَ مِن کُلِّ خَيرٍ خَزَائِنُهُ بِيَدِكَ، وَأَعُوذُ بِكَ مِن کُلِّ شَرِّ خَزَائِنُهُ بِيَدِكَ»([[38]](#footnote-38)).

«بارالها، هميشه و در همه حال، ايستاده يا نشسته، خوابيده يا بيدار، مرا در راه دين و آئين اسلام ثابت قدم دار، و هيچ دشمن و حسودی را بر حال و روزگارم شادان مگردان.

الهی، من از تو هر آن خيری که خزانه‌هايش در اختيار توست را خواهانم و از هر شری که زير سيطره قدرت و توان توست به تو پناه می‌جويم».

1. «اللَّهُمَّ اقسِم لَنَا مِن خَشيَتِكَ مَا تَحُولُ بِهِ بَينَنَا وَبَينَ مَعَاصِيكَ، وَمِن طَاعَتِكَ مَا تُبَلِّغُنَا بِهِ جَنَّتَكَ، وَمِنَ اليَقِينِ مَا تُهَوِّنُ بِهِ عَلَينَا مَصَائِبَ الدُّنيَا، اللَّهُمَّ مَتِّعنَا بِأَسمَاعِنَا، وَأَبصَارِنَا، وَقُوَّاتِنَا مَا أَحيَيتَنَا، وَاجعَلهُ الوَارِثَ مِنَّا، وَاجعَل ثَأرَنَا عَلَی مَن ظَلَمَنَا، وَانصُرنَا عَلَی مَن عَادَانَا، وَلَا تَجعَل مُصِيبَتَنَا فِي دِينِنَا، وَلَا تَجعَلِ الدُّنيَا أَکبَرَ هَمِّنَا، وَلَا مَبلَغَ عِلمِنَا، وَلَا تُسَلِّط عَلَينَا مَن لَا يَرحَمُنَا»([[39]](#footnote-39)).

«بارالها، آن مقدار از ترس و هراس از قدرت و توانت بما ارزانی دار، که بين ما و گناهان دوری افکند، و آن قدر از توفيق طاعت و عبادتت بما ارزانی ده، که ما را به بهشت برين رساند. و آن مقدار از ايمان و يقين که مشکلات و مصائب دنيا را برايمان آسان و هموار سازد.

الهی، ما را از نعمت شنوائی و بينائی و نيرو و توانمندی تا آخرين لحظه‌ای که بما زندگی عطا می‌فرمائی محروم مساز، و وارث ما را از خودمان قرار ده، و انتقام ما را از کسی که بر ما ظلم روا دارد بگير، و ما را بر آنکس که بر ما دشمنی می‌ورزد ياری ده، و مصيبت و گرفتاری‌هایمان را در دين‌مان مگردان، و دنيا را بزرگ‌ترين آرزو و اميدمان، و بالاترين درجه علم و دانش و فهم‌مان قرار مده و کسی را که بر ما رحم و شفقت ندارد بر ما چيره مگردان.

1. «اللَّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ بِكَ مِنَ الجُبنِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ البُخلِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِن أَن أُرَدَّ إِلَی أَرذَلِ العُمُرِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِن فِتنَةِ الدُّنيَا وَعَذَابِ القَبر»([[40]](#footnote-40)).

«الهی، مرا از ترسويی و وحشت زدگی در امان دار، و از بخيلی پناهم ده، و مرا آنچنان پير و شکسته و سالخورده مگردان که ناتوان و رنجور و ذليل و پژمرده گردم، و از فتنه و امتحان وآزمايش دنيائی و عذاب سوزناک قبر در پناه خودت نگاهم دار».

1. «اللَّهُمَّ اغفِر لِي خَطِيئَتيِ، وَجَهلِي، وَإِسرَافِي فِي أَمرِي، وَمَا أَنتَ أَعلَمُ بِهِ مِنِّي، اللَّهُمَّ اغفِر لِي هَزلِي وَجِدِّي، وَخَطَئِي وَعَمدِي، وَکُلُّ ذلِکَ عِندِي»([[41]](#footnote-41)).

«بارالها، از نادانی و گناهم درگذر، و اسراف و تندروی در زندگی را بر من ببخشای، و بيامرز مرا از هر آنچه تو بدان آگاه‌تری. الهی، از شوخی‌ها و جدی‌هايم، از اشتباهات و خطاهايم، و همه آنچه که بدان آلوده‌ام درگذر».

1. «اللَّهُمَّ إِنِّي ظَلَمتُ نَفسِي ظُلماً کَثيِراً، وَلَا يَغفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنتَ. فَاغفِر لِي مَغفِرَةً مِن عِندِكَ، وَارحَمنِي إِنَّكَ أَنتَ الغَفُورُ الرَّحِيمُ»([[42]](#footnote-42)).

«بارالها، من بر خود ظلم و ستم بسيار روا داشته‌ام و جز تو هيچ بخشاينده‌ای نيست گناهان را، پس بر من منت نِه و از من درگذر و مرا مورد رحمت و عفو و بخشايش خويش قرار ده، چرا که تويی بخشاينده و مهربان».

1. «اللَّهُمَّ لَكَ أَسلَمتُ، وَبِكَ آمَنتُ، وَعَلَيكَ تَوَکَّلتُ، وَإِلَيکَ أَنَبتُ وَبِكَ خَاصَمتُ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِعِزَّتِكَ لَا إِلهَ إِلَّا أَنتَ أَن تُضِلَّنِي. أَنتَ الحَيُّ الَّذِي لَا يَمُوتُ، وَالجِنُّ وَالإِنسُ يَمُوتُونَ»([[43]](#footnote-43)).

«الهی، سر تسليم در مقابل عظمت و توان تو خم کرده‌ام، و تنها بتو ايمان آورده‌ام، و از درگاهت توکل و اميد جسته‌ام و بسوی تو بازگشته‌ام، و به مقام والای تو پناه آورده‌ام.

بارالها، من از ضلالت و گمراهی بمقام والای تو، تنها پروردگار و خالق و إله عالميان پناه می‌آورم.

الهی، تنها تويی زنده‌ی فناناپذير و همه انسان‌ها و جن‌ها روزی خواهند مرد».

1. «اللَّهُمَّ إِنَّا نَسأَلُكَ مُوجِبَاتِ رَحـمَتِكَ، وَعَزَائِمَ مَغفِرَتِكَ، وَالسَّلَامَةَ مِن کُلِّ إِثمٍ ، وَالغَنِيمَةَ مِن کُلِّ بِرٍّ والفَوزَ بِالـجَنَّةِ، وَالنَّجَاةَ مِنَ النَّارِ»([[44]](#footnote-44)).

«بارالها، بما ارزانی دار آنچه که دروازه‌های پر سخاوت رحمت و بخشايشت را به روی‌مان می‌گشايد. و ما را از معصيت و گناه برحذر داشته بسوی نيکی‌ها و خوبی‌ها روانه ساز.

الهی، درهای نورانی بهشت را به روی‌مان بگشای و ما را از آتش سوزناک و عذاب هولناک جهنم در امان دار».

1. «اللَّهُمَّ اجعَل أَوسَعَ رِزقِكَ عَلَیَّ عِندَ کِبَرِ سِنِّي، وَانقِطَاعِ عُمُرِي»([[45]](#footnote-45)).

«پروردگارا، آنگاه که شمع زندگيم بخاموشی می‌گرايد و پير و ناتوان و سست می‌شوم دروازه سخاوتت را بر من بگشای و بيشترين رزق و روزيی که برايم نگاشته‌ای را بمن ارزانی دار».

1. «اللَّهُمَّ اغفِر لِي ذَنبِي، وَوَسِّع لِي فِي دَارِي، وَبَارِك لِي فِي رِزقِي»([[46]](#footnote-46)).

«بارالها، گناهانم را بر من بيامرز و با کرم و سخاوت خويش خانه و زندگيم را وسعت بخش و به رزق و روزيم برکت ده».

1. «اللَّهُمَّ إِنِّی أَسأَلُكَ مِن فَضلِكَ وَرَحمَتِكَ، فَإِنَّهُ لَا يَملِکُهَا إِلَّا أَنتَ»([[47]](#footnote-47)).

«الهی، مرا از فضل و کرم و رحمت و بخشايشت بهره‌مند ساز، که تنها تويی مالک همه آنها».

1. «اللَّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ بِكَ مِنَ التَّرَدِّي، وَالهَدمِ، وَالغَرَقِ، وَالـحَرَقِ، وَأَعُوذُ بِكَ أَن يَتَخَبَّطَ نِيَ الشَّيطَانُ عِندَ الـمَوتِ، وَأَعُوذُ بِكَ أَن أَمُوتَ، فِي سَبِيلِكَ مُدبِراً، وَأَعُوذُ بِكَ أَن أَمُوتَ لَدِيغاً»([[48]](#footnote-48)).

«بارالها، من از بازگشتن از حق و ايمان و از هلاکت و نابودی در زير آوارها و يا در أعماق آب‌ها و يا در بين شعله‌های سوزان آتش به تو پناه می‌برم، الهی، در امانم دار از اينکه شيطان در هنگامه مرگ بر من چيره گردد و يا در حال عقب نشينی و فرار از جهاد برعليه کافران کشته شوم، و به درگاه أحديتت پناه می‌آورم از اينکه با نيش عقربی و يا حشره‌ای از پای درافتم».

1. «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الـجُوعِ؛ فَإِنَّهُ بِئسَ الضَّجِيعُ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الخِيَانَةِ، فَإِنَّهَا بِئسَتِ البِطَانَةُ»([[49]](#footnote-49)).

«پروردگارا، من از گرسنگی که بدترين خاری‌ها و تنگدستی‌هاست به درگاه سخاوت و نعمتت پناه می‌آورم، و از خيانت که پست‌ترين شکم‌پرستی‌هاست به درگاه رشادت و هدايتت پناه می‌جويم».

1. «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ العَجزِ، وَالکَسَلِ، وَالـجُبنِ، وَالبُخلِ، وَالهَرَمِ، وَالقَسوَةِ، وَالغَفلَةِ، والعَيلَةِ، والذِّلَّةِ، وَالمَسکَنَةِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الفَقرِ، وَالکُفرِ، وَالفُسُوقِ، وَالشِّقَاقِ، وَالنِّفَاقِ، وَالسُّمعَةِ، وَالرِّيَاءِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الصَّمَمِ، وَالبَکَمِ، وَالـجُنُونِ، وَالـجُذَامِ، وَالبَرَصِ وَسَيِّیءِ الأَسقَامِ»([[50]](#footnote-50)).

«بارالها، من از سستی و ناتوانی و از ترس و وحشت و از تنگ چشمی و بخيلی و پيری و از خشم و عصبانيت و از اخلاق بد و سرشت زشت و از ناآگاهی و بی‌توجهی و از ذلت و خواری و پستی و زاری به تو پناه می‌آورم.

و پناه می‌جويم به درگاه کرم و بخششت از فقر و ناداری و کفر و خواری و فسق و فساد، و از دورويی و خبر چينی و فتنه‌اندازی و از بدنامی و رياء و خودپرستی.

الهی، در امانم دار از کوری و کری و ديوانگی و جذام و کچلی و از همه بيماری‌های خطرناک ديگر».

1. «اللَّهُمَ إِنِّی أَعُوذُ بِكَ مِنَ الفَقرِ، وَالقِلَّةِ وَالذِّلَّةِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِن أَن أَظلِمَ أَو أُظلَمَ»([[51]](#footnote-51)).

«پروردگارا، مرا از فقر و ناداری و ذلت و خواری در پناه خويش نگه دار.

الهی، در امانم دار از اينکه به کسی ظلم و ستمی ورزم و يا کسی بر من ظلم و ستمی روا دارد».

1. «اللَّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ بِكَ مِن جَارِ السُّوءِ فِي دَارِ المُقَامَةِ؛ فَإِنَّ جَارَ البَادِيَةِ يَتَحَوَّلُ»([[52]](#footnote-52)).

«بارالها، مرا از همسايگی و نزديکی با بدان در روز قيامت دور دار، که هراسی نيست از بدان دنيا که چند صباحی بيش نيستند».

1. «اللَّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ بِكَ مِن قَلبٍ لَا يَخشَعُ، وَمِن دُعَاءٍ لَا يُسمَعُ وَمِن نَفسٍ لَا تَشبَعُ، وَمِن عِلمٍ لَا يَنفَعُ. أَعُوذُ بِكَ مِن هَؤُلَاءِ الأَربَعِ»([[53]](#footnote-53)).

«بارالها، من از قلبی که از تو خوف و هراس ندارد، و از دعائی که قبول درگاه پاکت نيست، و از نفسی که سير نمی‌شود و از علم و دانشی که فائده‌ای در آن نيست به تو پناه می‌برم. پروردگارا از اين چهار چيز مرا در امان دار».

1. «اللَّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ بِكَ مِن يَومِ السُّوءِ، وَمِن لَيلَةِ السُّوءِ، وَمِن سَاعَةِ السُّوءِ، وَمِن صَاحِبِ السُّوءِ، وَمِن جَارِ السُّوءِ فِي دَارِ المُقَامَةِ»([[54]](#footnote-54)).

«الهی، مرا در امان دار از روز بد، و از شب هولناک، و از لحظه‌های زشتی، و از دوستان ناباب، و از همسايگی بدان در روز حساب».

1. «اللَّهُمَّ إِنِّی أَسأَلُكَ الـجَنَّةَ وَأَستَجِيرُ بِكَ مِنَ النَّارِ». (3 مرتبه تکرار شود)([[55]](#footnote-55)).

«بارالها، بهشت برين را بمن ارزانی نموده مرا از عذاب هولناک جهنم در امان دار».

1. «اللَّهُمَّ فَقِّهنِي فِي الدِّينِ»([[56]](#footnote-56)).

«الهی، مرا در دينت فقيه و دانشمندگردان».

1. «اللَّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ بِكَ أَن أُشرِكَ بِكَ وَأَنَا أَعلَمُ، وَأَستَغفِرُكَ لـِمَا لَا أَعلَمُ»([[57]](#footnote-57)).

«بارالها، مرا در امان دار از اينکه دانسته به تو شرک ورزم و جهالت و نادانی‌هايم را بر من ببخشای».

1. «اللَّهُمَّ انفَعنِی بِمَا عَلَّمتَنِي، وَعَلِّمنِي مَا يَنفَعُنِی، وَزِدنِي عِلماً»([[58]](#footnote-58)).

«الهی، از علم و دانشی که به من عطا نموده‌ای مستفيدم گردان، و بياموزان مرا آنچه بدان نياز دارم، و بر علم و دانش و فرزانگيم بيفزای».

1. «اللَّهُمَّ إِنِّی أَسأَلُكَ عِلماً نَافِعاً، وَرِزقاً طَيِّباً، وَعَمَلاً مُتَقَبَّلاً»([[59]](#footnote-59)).

«پروردگارا، من از درگاه ايزديت علم و دانش مفيد و روزی پر برکت، و کار و عمل نيکو و مورد قبولت را مسألت دارم».

1. «اللَّهُمَّ إِنِّی أَسأَلُكَ يَا اللّـهُ بِأَنَّكَ الوَاحِدُ، الأَحَدُ، الصَّمَدُ، الَّذِی لَم يَلِد وَلَم يُولَد، وَلَم يَکُن لَهُ کُفُواً أَحَدٌ، أَن تَغفِرَ لِي ذُنُوبِي، إِنَّكَ أَنتَ الغَفُورُ الرَّحِيمُ»([[60]](#footnote-60)).

«ای پروردگار يگانه و يکتا، ای آنکه دستان محتاجان تنها بسوی تو دراز است، تو پاکی از اينکه فرزند و يا پدر باشی، و تو پاک و منزهی از شريک داشتن، تو را مثل و مانندی نيست.

بارالها، ببخشای بر من گناهانم را تنها تويی بخشاينده مهربان».

1. «اللَّهُمَّ إِنِّی أَسأَلُكَ بِأنَّ لَكَ الـحَمدُ، لَا إِلهَ إِلَّا أَنتَ [وَحدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ] المَنَّانُ [يَا] بَدِيعَ السَّماوَاتِ وَالأَرضِ، يَا ذَا الجَلَالِ وَالإِکرَامِ، يَا حَي يَا قَيُّومُ، إِنِّي أَسأَلُكَ [الجَنَّةَ وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ النَّارِ]»([[61]](#footnote-61)).

«بارالها، حمد و سپاس تنها شايسته بزرگی توست، جز تو هيچ اله و معبودی نيست، تويی پروردگار بخشاينده که نيست هيچ شريکی تو را، ای آفريننده‌ی آسمانها و زمين، ای شاهنشه سخاوت و بزرگی، ای آگاه و توانا و دانا بر همه چيز و همه کس، من از درگاه تو بهشت برين را مسألت دارم و از عذاب هولناک آتش جهنم به بزرگيت پناه می‌برم».

1. «اللَّهُمَّ إِنِّی أَسأَلُكَ بِأَنِّي أَشهَدُ أَنَّكَ أنتَ اللّـهُ لَا إِلهَ إِلَّا أَنتَ، الأَحَدُ، الصَّمَدُ، الَّذِي لَم يَلِد، وَلَم يُولَد، وَلَم يَکُن لَهُ کُفُواً أَحَدٌ»([[62]](#footnote-62)).

«الهی، من دست تضرع و زاری بدرگاهت دراز کرده شهادت و گواهی می‌دهم که تويی پروردگار مطلق، و تويی اله همگان، و جز تو هيچ إله و معبودی نيست در جهان، تويی يکتا و يگانه، تويی که دستان محتاجان بسويت دراز است، تو نه بچه می‌زايی و نه زاينده کسی هستی، تو را هيچ شريکی و مانندی نيست».

1. «رَبِّ اغفِر لِي، وَتُب عَلَیَّ، إِنَّكَ أَنتَ التَّوَّابُ الغَفُورُ»([[63]](#footnote-63)).

«بارالها، از گناهانم درگذر و ببخشای مرا، تويی بخشاينده مهربان».

1. «اللَّهُمَّ بعِلمِكَ الغَيب، وَقُدرَتِكَ عَلَی الـخَلقِ، أَحيِنِي مَا عَلِمتَ الـحَيَاةَ خَيراً ليِ، وَتَوَفَّنِي إِذَا عَلِمتَ الوَفَاةَ خَيراً لِي، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسأَلُكَ خَشيَتَكَ فِي الغَيبِ وَالشَّهَادَةِ، وَأَسأَلُكَ کَلِمَةَ الـحَقِّ فيِ الرِّضَا وَالغَضَبِ، وَأَسأَلُكَ القَصدَ فِي الغِنَی وَالفَقرِ، وَأَسأَلُكَ نَعِيماً لَا يَنفَدُ، وَأَسأَلُكَ قُرَّةَ عَينٍ لَا تَنقَطِعُ، وَأَسأَلُكَ الرِّضَا بَعدَ القَضَاءِ، وَأَسأَلُكَ بَردَ العَيشِ بَعدِ الـمُوتِ، وَأَسأَلُكَ لَذَّةَ النَّظَرِ إِلَی وَجهِكَ، وَالشَّوقَ إِلَی لِقَائِكَ، فِي غَيرِ ضَرَّاءَ مُضِرَّةٍ، وَلَا فِتنَةٍ مُضِلَّةٍ، اللَّهُمَّ زَيِّنَّا بِزِينَةِ الإِيمَانِ، وَاجعَلنَا هُدَاةً مُهتَدِينَ»([[64]](#footnote-64)).

«پروردگارا، هيچ چيز بر تو پوشيده و پنهان نيست، تويی قادر و توانای مطلق، چو دانی که زندگيم خوبی‌ها و نيکی‌ها دربر دارد به من زندگانی عطا فرما، و آنگاه که مرگ را برايم نيکو يافتی دروازه موت برويم بگشای.

بارالها، قلبم را در پنهانی و آشکارايم پر گردان از پرتوی ترس و وحشت از عذابت، و حق و راستگويی را در خوشی‌ها و عصبانيتم بر زبانم جاری ساز، و ميانه روی در ثروت و تنگدستی را چراغ راه و برنامه زندگيم قرار ده.

پروردگارا، من از تو نعمت‌های بی‌پايان می‌خواهم، به من چشم روشنی‌های هميشگی و دائمی ارزانی دار.

الهی، پس از دادخواهيت از من خوشنود و راضی باش و بعد از مرگم به من زندگانی پرسعادتی ارزانی دار.

بارالها، مرا از لذت ديدار چهره پاکت محروم مگردان، و آتش شوق ديدارت را، بدور از ضررها و مصيبت‌های کشنده، و فتنه ها و آزمايش‌های گمراه‌کننده، هميشه در من شعله ورگردان.

پروردگارا، ما را به زيبايی ايمان زينت بخش و از زمره هدايتکاران و رستگاران قرارمان ده».

1. «اللَّهُمَّ ارزُقنِي حُبَّكَ، َوحُبَّ مَن يَنفَعُنِی حُبُّهُ عِندَكَ اللَّهُمَّ مَا رَزَقتَنِي مِمَّا أُحِبُّ فَاجعَلهُ قُوَّةً لِي فِيمَا تَحِبُّ، اللَّهُمَّ مَا زَوَيتَ عَنِّي مِمَّا أُحِبُّ فَاجعَلهُ فَرَاغاً لِي فِيمَا تُحِبُّ»([[65]](#footnote-65)).

«بارالها، محبت و دوستيت و محبت آنانکه دوستيشان مرا به تو نزديک می‌گرداند را در قلبم جای ده،

الهی، هر آنچه بمن ارزانی داشته‌ای، از آنچه می‌خواهم، را قدرت و توان و بازويم گردان در راه آنچه می‌پسندی.

الهی، هرآنچه دوستش دارم و تو از من دور داشته‌ای را فراغت و گشايش راحتيم قرار ده در راه آنچه می‌پسندی».

1. «اللَّهُمَّ طَهِّرنِي مِنَ الذُّنُوبِ وَالخَطَايَا، اللَّهُمَّ نَقِّنِي مِنهَا کَمَا يُنَقَّی الثَّوبُ الأَبيَضُ مِنَ الدَّنَسِ، اللَّهُمَّ طَهِّرنِي بِالثَّلجِ وَالبَرَدِ وَالـمَاءِ البَارِدِ»([[66]](#footnote-66)).

«بارالها، مرا از گناهان و زشتی‌ها دور دار، و آنگونه که پارچه سفيد را از پليدی‌ها پاک می‌سازند مرا از گناهان پاک گردان.

الهی، مرا از گناهان و زشتی‌ها با برف و يخ و آب سرد و زلال پاک گردان».

1. «اللَّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ بِكَ مِنَ البُخلِ، وَالـجُبنِ، وَسُوءِ العُمرِ، وَفِتنَةِ الصَّدرِ، وَعَذَابِ القَبر»([[67]](#footnote-67)).

«پروردگارا، من به تو پناه می‌جويم از تنگ چشمی و بخيلی و ترسويی و از پستی‌ها و بدی‌های زندگی و از فتنه و فساد دل و جان و از عذاب قبر».

1. «اللَّهُمَّ رَبَّ جِبرَائِيلَ، وَمِيکَائِيلَ، وَرَبَّ إِسرَافِيلَ، أَعُوذُ بِكَ مِن حَرِّ النَّارِ وَمِن عَذَابِ القَبرِ»([[68]](#footnote-68)).

«ای پروردگار جبرائيل و خالق ميکائيل، و ای آفريننده اسرافيل، مرا از آتش هولناک جهنم و از عذاب دردناک قبر در امان دار».

1. «اللَّهُمَّ أَلهِمنِي رُشدِي، وَأَعِذنِی مِن شَرِّ نَفسِي»([[69]](#footnote-69)).

«بارالها، خير و سعادتم را بمن الهام گردان و مرا از بدی‌ها و زشتی‌هايم در پناه خويش نگه دار».

1. «اللَّهُمَّ إِنِّی أَسأَلُكَ عِلماً نَافِعاً، وَأَعُوذُ بِكَ مِن عِلمٍ لَا يَنفَعُ»([[70]](#footnote-70)).

«پروردگارا، بمن علم و دانش مفيد و ارزنده عطا فرما و مرا از علم بيهوده و دانش پوچ دور نگه دار».

1. «اللَّهُمَّ رَبَّ السَّماوَاتِ [السَّبعِ] وَرَبَّ الأَرضِ، وَرَبَّ العَرشِ العَظِيمِ، رَبَّنَا وَرَبَّ کُلِّ شَيءٍ، فَالِقَ الحَبِّ وَالنَّوَی، وَمُنزِلَ التَّورَاةِ وَالإِنجِيلِ وَالفُرقَانِ، أَعُوذُ بِكَ مِن شَرِّ کُلِّ شَیءٍ أَنتَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهِ، اللَّهُمَّ أَنتَ الأَوَّلُ فَلَيسَ قَبلَكَ شَیءٌ، وَأَنتَ الآخِرُ فَلَيسَ بَعدَكَ شَیءٌ، وَأَنتَ الظَّاهِرُ فَلَيسَ فَوقَكَ شَیءٌ، وَأَنتَ البَاطِنُ فَلَيسَ دُونَكَ شَيءٌ، اقضِ عَنَّا الدَّينَ وَأَغنِنَا مِنَ الفَقرِ»([[71]](#footnote-71)).

«ای آفريدگار زمين و آسمان‌های هفتگانه، ای شاهنشاه جهان آفرينش، تويی خالق و پروردگار ما انسان‌ها و پرورنده همه مخلوقات، تويی شکافنده دانه‌ها در قلب زمين، تويی فرستنده تورات و انجيل و قرآن.

بارالها، ازگزند همه آنچه زير سيطره قدرت و توان توست به درگاه عظمت و قدرت تو پناه می‌بريم.

الهی، تو برای هميشه بوده و هستی، تو بوده‌ای آنگاه که هيچکس نبوده و خواهی بود آنهنگام که کسی نيست، تو ازهمه والاتر و بالاتری و هيچ کس بالاتر و برتر از تو نيست، و تو از دل و اندرون همگان آگاهی.

بارالها، دَين و قرض‌هايمان را ادا کن و ما را از فقر و تنگدستی برهان.

1. «اللَّهُمَّ أَلِّف بَينَ قُلُوبِنَا، وَأَصلِح ذَاتَ بَينِنَا، وَاهدِنَا سُبُلَ السَّلَامِ، وَنَجِّنَا مِنَ الظُلُمَاتِ إِلَی النُّورِ، وَجَنِّبنَا الفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنهَا وَمَا بَطَنَ، وَبَارِك لَنَا فِي أَسمَاعِنَا، وَأَبصَارِنَا، وَقُلُوبِنَا، وَأَزوَاجِنَا، وَذُرِّيَّاتِنَا، وَتُب عَلَينَا إِنَّكَ أَنتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ، وَاجعَلنَا شَاکِرِينَ لِنِعَمِكَ مُثنِينَ بِهَا عَلَيكَ قَابِلِينَ لَهَا وَأَتمِمهَا عَلَينَا»([[72]](#footnote-72)).

«بارالها، بين قلب‌ها و دل‌هايمان محبت و ألفت آفرين و سوء تفاهم‌هايمان را برطرف ساخته ما را براه سعادت و رستگاری رهنمون فرما.

الهی، از سياه‌چال‌های گمراهی به نور ايمان‌مان هدايت نموده از بدی‌ها و زشتی‌های آشکار و پنهان ما را در امان دار.

پروردگارا، در شنوائی و بينائی‌مان و در دل‌ها و قلب‌هايمان و در همسران و فرزندانمان برکت عطا فرما.

و ببخشای بر ما که تويی بخشاينده‌ی مهربان.

بارالها، ما را شکرگذار نعمت‌های بی‌دريغت قرار ده و به ما توفيق آن ده که هميشه حمد و سپاس و ستايش توگوئيم و ما را مستحق و قابل آنهمه فضل و کرمت قرار ده و بيفزای بر ما خير و نيکيت را».

1. «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسأَلُكَ خَيرَ المَسأَلَةِ، وَخَيرَ الدُّعَاءِ، وخَيرَ النَّجَاحِ، وخَيرَ العَمَلِ، وَخَيرَ الثَّوابِ، وَخَيرَ الحَيَاةِ، وَخَيرَ المَمَاتِ، وَثَبِّتنِي، وَثَقِّل مَوَازِينِي، وَحَقِّق إِيمَانِي، وَارفَع دَرَجَاتِي، وَتَقَبَّل صَلَاتِي، واغفِرخَطِيئَتِي، وَأَسأَلُكَ الدَّرَجَاتِ العُلَی مِنَ الجَنَّةِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسأَلُكَ فَوَاتِحَ الخَيرِ، وَخَوَاتِمَهُ، وَجَوامِعَهُ، وَأَوَّلَهُ، وَظَاهِرَهُ، وَبَاطِنَهُ، وَالدَّرَجَاتِ العُلَی مِنَ الجَنَّةِ. (آمِين). اللَّهُمَّ إِنِّي أَسأَلُكَ خَيرَ مَا آتِي، وَخَيرَ مَا أَفعَلُ، وَخَيرَ مَا أَعمَلُ، وَخَيرَ مَا بَطَنَ، وَخَيرَ مَا ظَهَرَ، وَالدَّرجَاتِ العُلَی مِنَ الجَنَّةِ. (آمِين). اللَّهُمَّ إِنِّي أَسأَلُكَ أَن تَرفَعَ ذِکرِي، وَتَضَعَ وِزرِي، وَتُصلِحَ أَمرِي، وَتُطَهِّرَ قَلبِي، وَتُحَصِّنَ فَرجِي، وَتُنَوِّرَ قَلبِي، وَتَغفِرَ لِي ذَنبِي، وَأَسأَلُكَ الدَّرَجَاتِ العُلَی مِنَ الجَنَّةِ. (آمين). اللَّهُمَّ إِنِّي أَسأَلُكَ أَن تُبَارِكَ فِي نَفسِي، وَفِي سَمعِي، وَفِي بَصَرِي، وَفيِ رُوحِي، وَفِي خَلقِي، وَفِي خُلُقِي، وَفِي أَهلِي، وَفِي مَحيَايَ، وَفِي مَمَاتِي، وَفِي عَمَلِي، فَتَقَبَّل حَسَنَاتِي، وَأَسأَلُكَ الدَّرَجَاتِ العُلَی مِنَ الجَنَّةِ». (آمين)([[73]](#footnote-73)).

«بارالها، من از درگاه عظمت و بزرگيت بهترين حاجت‌ها، و بزرگترين دعاها و بالاترين موفقيت‌ها و برترين کارها و والاترين ثواب‌ها و پاداش‌ها و خوشبخترين و با سعادت‌ترين زندگی و بهترين و آرام‌ترين وفات را مسألت دارم.

الهی، مرا در راه خود ثابت قدم داشته بر اجر و پاداش و ايمان و تقوايم بيفزای، و نماز و طاعاتم را قبول درگاهت قرار داده گناهانم را بيامرز و درجات و مقامم را در بهشت برين بالا و بالاتر ببر.

الهی، من از درگاه احديتت مقامی بالا و برتر در بهشت برين مسألت دارم.

پروردگارا، من از تو گشايش درهای خير و نيکی و سرانجام نيکويی و اول سعادت و خوشبختی و آخر رشادت و نيکبختی و زندگانی‌ای پر بار شادی و سعادت مسألت دارم، الهی، مرا در درجات بالای بهشت‌های برينت مسکن ده. (الهی آمين)

بارالها، من از تو خوبی و رشادت در آنچه از من سر می‌زند و استقامت ونيکی در هرآنچه در ظاهر و آشکارا و يا خفيه و پنهان انجام می‌دهم را مسألت دارم.

الهی، مرا در درجات بالای بهشت‌های برينت جای ده. (الهی آمين)

بارالها، نامی خوب و نشانی نيکو از من ورد زباها گردان، و مصيبت‌ها و سختی‌هايم را از دوشم بينداز و قلبم را صفا و پاکی بخش، و زندگانيم را بر بهترين وجه ترتيب ده، و شهوت و هوی و هوسم را در کنترل خويش قرار ده، و قلبم را نورانی گردان و گناهانم را بيامرز، الهی، مرا در درجات بالای بهشت‌های برين جای ده. (الهی آمين)

پروردگارا، در جسم و جانم، روح و روانم، شنوايی و بينائيم و در خلق و آفرينشم، آداب و اخلاقم، خانواده و خويشانم و در زندگانی و موتم، کار و تلاشم برکت عطا فرما و حسنات و نيکی‌هايم را قبول درگاهت قرار ده،

الهی، مرا در درجات بالای بهشت‌های برينت جای ده. (الهی آمين)

1. «اللَّهُمَّ جَنِّبنِی مُنکَرَاتِ الأَخلَاقِ، وَالأَهوَاءِ، وَالأَعمَالِ، وَالأَدواءِ»([[74]](#footnote-74)).

«بارالها، مرا از اخلاق زشت و سرشت بد، هوسرانی و شهوت‌پرستی و بيماری‌های سخت دور گردان».

1. «اللَّهُمَّ قَنِّعْنِي بِمَا رَزَقْتَنِي، وَبَارِكْ لِي فِيهِ، وَاخلُفْ عَلَيَّ کُلَّ غَائِبَةٍ لِي بِخَيرٍ»([[75]](#footnote-75)).

«بارالها، در آنچه به من ارزانی داشته‌ای برکت عطا فرما و مرا بدان راضی و قانع ساز و همه آنچه که بر من پوشيده و پنهان است را برايم نيکويی و خير قرار ده».

1. «اللَّهُمَّ حَاسِبْنِي حِسَاباً يَسِيراً»([[76]](#footnote-76)).

«بارالها، در روز قيامت هنگام بازجوئی و محاسبه با لطافت و نرمی و کرم و سخاوت با من برخورد نما».

1. «اللَّهُمَّ أَعِنَّا عَلَی ذِکْرِكَ، وَشُکرِكَ، وَحُسْنِ عِبَادَتِكَ»([[77]](#footnote-77)).

«بارالها، ما را در ذکر و يادت، و شکر و سپاست، و در اداء عبادت‌ها و طاعتت به بهترين وجه ياری فرما».

1. «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسأَلُكَ إِيمَاناً لَا يَرتَدُّ، وَنَعِيماً لَا يَنفَدُ، وَمُرَافَقَةَ مُحَمَّدٍ ج فِي أَعلَی جَنَّةِ الخُلدِ»([[78]](#footnote-78)).

«بارالها، به من يقين و ايمانی ارزانی دار که در آن برگشت و کفری نيست و ببخشای به من نعمت‌هايی بی‌پايان، و مرا در بالاترين بهشت‌های هميشگی در کنار رسول هدايتت محمد ج محشور گردان».

1. «اللَّهُمَّ قِنِی شَرَّ نَفسِي، وَاعزِم لِي عَلَی أَرشَدِ أَمرِي، اللَّهُمَّ اغفِر ليِ مَا أَسرَرتُ، وَمَا أَعلَنتُ، وَمَا أَخطَأتُ، وَمَا عَمَدتُ، وَمَا عَلِمتُ، وَمَا جَهِلتُ»([[79]](#footnote-79)).

«بارالها، مرا از شر زشتی‌ها و بدی‌هايم برهان و در بهترين راه‌ها و با سعادترين کارها ثابت قدمم دار، الهی، هرآنچه در پنهانی‌ها و آشکارا، از روی جهل و نادانی و يا اشتباه و خطا و يا از عمد و با علم و دانش از من سرزده را بر من بيامرز و ببخشای.

1. «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ غَلَبَةِ الدَّينِ، وَغَلَبَةِ العَدُوِّ، وَشَمَاتَةِ الأَعدَاءِ»([[80]](#footnote-80)).

«پروردگارا، مرا از سرشکستگی در برابر دَين و قرض‌ها در امان دار و طعم تلخ شکست از دشمن را به من مچشان، و حال و روزم سياه مگردان تا دشمنان بحالم شاد نگردند».

1. «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي، وَاهْدِنيِ، وَارْزُقنِي وَعَافِنِي، أَعُوذُ بِاللهِ مِن ضِيقِ الْمُقَامِ يَومَ القِيَامَةِ»([[81]](#footnote-81)).

«الهی، ببخشای مرا و براه سعادت و رستگاری هدايتم ده، پروردگارا، از امراض و بيماری‌ها عافيتم بخش و از رزق و روزيت محرومم مساز.

بارالها، من به درگاه عزت و جلالت از تنگی جاه و مکان در روز قيامت پناه می‌برم».

1. «اللَّهُمَّ مَتِّعْنِي بِسَمْعِي، وَبَصَرِي، وَاجعَلْهُمَا الوَارِثَ مِنِّي، وَانصُرْنِي عَلَی مَنْ يَظْلِمُنِي، وَخُذْ مِنهُ بِثَأْرِي»([[82]](#footnote-82)).

«پروردگارا، هرگز مرا از بينائی و شنوايی محروم مساز و همواره چشم و گوشم را برايم حفظ کن.

الهی، مرا ياری ده تا پوزه ظالمان به زمين مالم و قصاص و انتقامم را از آنها بگير».

1. «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ عِيشَةً نَقِيَّةً، وَمَيتَةً سَوِيَّةً، وَمَرَدّاً غَيرَ مـُخزٍ وَلَا فَاضِحٍ»([[83]](#footnote-83)).

«بارالها، سعادت و خوشبختی و شادکامی در زندگی را از درگاه عظمت و بزرگيت مسألت دارم.

الهی، مرگم را به آرامی و راحتی بر من نازل فرما، و از بازگشت زشت و ناشايسته بسوی درگاه عدلت در أمانم دار».

1. «اللَّهُمَّ لَكَ الحَمدُ کُلُّهُ، اللَّهُمَّ لَا قَابِضَ لِمَا بَسَطتَ، وَلَا بَاسِطَ لِمَا قَبَضتَ، وَلَا هَادِيَ لِمَن أَضلَلتَ وَلَا مُضِلَّ لِمَن هَدَيتَ، وَلَا مُعطِيَ لِمَا مَنَعتَ وَلَا مَانِعَ لِمَا أَعْطَيتَ، وَلَا مُقَرِّبَ لِمَا بَاعَدتَّ، وَلَا مُبَاعِدَ لِـمَا قَرَّبتَ، اللَّهُمَّ ابسُط عَلَينَا مِن بَرَکَاتِكَ وَرَحمَتِكَ وَفَضلِكَ وَرِزقِكَ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسأَلُكَ النَّعِيمَ الـمُقِيمَ الَّذِي لَا يَحُولُ وَلَا يَزُولُ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسأَلُكَ النَّعِيمَ يَومَ العَيلَةِ، وَالأَمنَ يَومَ الخَوفِ، اللَّهُمَّ إِنِّي عَائِذٌ بِكَ مِن شَرِّ مَا أَعطَيتَنَا وَشَرِّ مَا مَنَعتَنَا، اللَّهُمَّ حَبِّب إِلَينَا الإِيمَانَ وَزَيِّنهُ فِي قُلُوبِنَا وَکَرِّه إِليَنَا الکُفرَ وَالفُسُوقَ وَالعِصيَان وَاجعَلنَا مِنَ الرَّاشِدِينَ، اللَّهُمَّ تَوَفَّنَا مُسلِمِينَ، وَأَحيِنَا مُسلِمِينَ، وَأَلحِقنَا بالصَّالِحِينَ غَيرَ خَزَايَا وَلَا مَفتُونِينَ، اللَّهُمَّ قَاتِلِ الکَفَرَةَ الَّذِينَ يُکَذِّبُونَ رُسُلَكَ وَيَصُدُّونَ عَن سَبِيِلكَ، وَاجعَل عَلَيهِم رِجزَكَ وَعَذَابَكَ، اللَّهُمَّ قَاتِلِ الکَفَرَةَ الَّذِينَ أُوتُو الکِتَابَ؛ إِلهَ الحَقِّ» [آمِين]([[84]](#footnote-84)).

«بارالها، همه حمد و سپاس و شکر از آن توست، آنچه تو به کسی ارزانی داری هيچ نيرو و قدرتی را توان پس گرفتن آن نيست. و اگر تو کسی را از چيزی محروم سازی هيچ قدرتی را توان بخشيدن آن بدو نيست. کسی را که تو هدايت بخشی هرگز نتوان گمراه ساخت و کسی را که تو گمراه ساخته‌ای اميد هدايتش نيست.

و کسی را که بر او محروميت و ناداری نوشته‌ای نتوان دارا ساخت، و کسی را که دارا ساخته‌ای نتوان فقير و تنگدست نمود.

کسی را که به درگاه قبولت پذيرفته‌ای نتوان دور ساخت، و آن کس را که مهر دوری بر پيشانيش نهاده‌ای نتوان نزديک درگاه رحمتت نمود.

بارالها، ببخشای بر ما از نعمت‌ها و رحمت‌ها و برکت‌ها و رزق و روزی و فضل و کرمت.

الهی، من از درگاه سخاوتت نعمت‌های هميشگی‌ای که پايان‌ناپذير و ثابتند مسألت دارم.

الهی، در سختی‌های فقر و ناداری درِ رحمت و دارايی برويم بگشای و در ترس و هراس زندگی امن و امانم ده.

پروردگارا، من از گزند بدی‌های آنچه که به ما ارزانی داشته‌ای و شر آنچه ما را از آن محروم ساخته‌ای به درگاه تو پناه آورده‌ام.

بارالها، محبت و عشق ايمان را زينت بخش دل‌هايمان ساز و دشمنی با کفر و فسق و فساد و عصيانگری را آميخته قلب‌هايمان نما و ما را از رستگاران قرار ده.

الهی، در کاروان زندگی ما را مسلمان نگه دار و مسلمانمان بميران و در روز قيامت بدور از ذلت و خواری به قافله نيکوکاران بپيوندان.

بارالها، آتش خشم و غضبت را بر کافرانی که به پيامبرانت اهانت کرده آنها را دروغگو پنداشتند و سد راهشان شدند مسلط دار، و مرگ و نيستی را نثار جانشان کن.

پروردگارا، ای يگانه معبود حق و حقيقت آن کافرانی که کتاب هدايت و رستگاری برايشان فرستادی را با خواری و ذلت و زاری به هلاکت رسان». (الهی آمين)

1. «اللَّهُمَّ اغفِر لِي، وَارحَمنِي، وَاهدِنِی، وَعَافِنِی، وَارزُقنِي»([[85]](#footnote-85)) «...وَاجبُرنِي وَارفَعنِي»([[86]](#footnote-86)).

«بارالها، بيامرز گناهانم و بگشای دروازه رحمتت برويم، الهی، به راه رشادتت هدايتم ده و از سلامتی و عافيت و رزق و روزيت محرومم مساز.

پروردگارا، افتادگی‌ها و شکسته‌گی‌هايم را بر طرف ساز و مرا به درجه‌های والای خير و سعادت رهنمون نما».

1. «اللَّهُمَّ زِدنَا وَلَا تَنقُصنَا، وَأَکرِمنَا وَلَا تُهِنَّا، وَأَعطِنا وَلَا تَحرِمنَا، وَآثِرنَا وَلَا تُؤثِر عَلَينَا، وَارضِنَا وَارضَ عَنَّا»([[87]](#footnote-87)).

«پروردگارا، برآنچه به ما ارزانی داشته‌ای بيفزای و نعمت‌های بی‌دريغت را از ما مکاه، و به ما منزلت و جايگاه‌های بلند ارزانی دار و با ذلت و خواری مسوزان‌مان، و در خزينه‌های پر بارت برويمان بگشای و از نعمت‌هايت محروم‌مان مگردان، و ما را بر ديگران پيشی ده و کسی را بر ما برتری مده و به دوستی مگير، و از ما راضی و خشنود باش و ما را از خود خوشحال و شادان گردان».

1. «اللَّهُمَّ أَحسَنْتَ خَلْقِي فَأَحْسِنْ خُلُقِي»([[88]](#footnote-88)).

«بارالها، تو مرا به بهترين شکل و قيافه آفريدی پس بهترين ادب و اخلاق را به من ارزانی دار».

1. «اللَّهُمَّ ثَبِّتْنِي وَاجعَلْنِی هَادِياً مَهدِيّاً»([[89]](#footnote-89)).

«پروردگارا، مرا در راه دينت ثابت‌قدم دار و از رستگاران و هدايتگرانم قرار ده».

1. «اللَّهُمَّ آتِنِي الحِکْمَةَ الَّتِی مَن أُوتِيَهَا فَقَد أُوتِيَ خَيراً کَثِيراً»([[90]](#footnote-90)).

«الهی، آن حکمت و علم و دانشی را به من ارزانی دار که چون کسی بدان دست يابد به سعادت ابدی نايل شده است.

بارالها، سلام و درود فرست بر پيامبرمان حضرت محمد ج و بر خاندان و ياران و پيروان راستينش تا روز عدل و دادرسی».

گلچینی از مناجات و نیایش در ادبیات فارسی

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| ثنا و حمد بی‌پایان خدا را |  | که صنعش در وجود آورد ما را |
| الها قادرا پروردگارا |  | کریما منعما آمرزگارا |
| چه باشد پادشاه پادشاهان |  | اگر رحمت کنی مشتی گدا را |
| خداوندا تو ایمان و شهادت |  | عطا دادی به فضل خویش ما ر |

\*\*\*

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| ملكا ذكر تو گويم كه تو پاكی و خدايی |  | نروم جز به‌همان ره كه توام راهنمایی |
| همه ‌درگاه ‌تو جویم، همه ‌از فضل ‌تو ‌پویم |  | همه توحید تو گویم كه ‌به ‌توحید سزایی |
| توحكیمی، توعظیمی، توكریمی، تورحیمی |  | تو نماینده فضلی، تو سزاوار ثنایی |
| بری از رنج و گدازی، بری ‌از درد ونیازی |  | بری ‌از بیم ‌و امیدی، بری ‌ازچون‌وچرایی |
| بری‌ازخوردن‌وخفتن،بری‌ازشرك‌وشبیهی |  | بری ‌از صورت ‌ورنگی،بری‌ازعیب‌وخطایی |
| نتوان وصف تو گفتن كه‌تو درفهم‌نگنجی |  | نتوان شبه تو گفتن كه تو در وهم نیایی |
| همه عزّی و جلالی، همه علمی و یقینی |  | همه‌نوری وسروری، همه جودی وجزایی |
| همه‌غیبی تو بدانی، همه عیبی تو بپوشی |  | همه بیشی تو بكاهی، همه كمّی تو فزایی |

\*\*\*

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| ذوالجلالا! جلای دل تو دهی |  | مرهم ریش خستگان تو نهی |
| تشنگانیم ژاله‌ای برسان |  | وزنوالت نواله‌ای برسان |
| بس غریبیم، چاره‌ساز تویی |  | بس گداییم بی‌نیاز تویی |
| تا نبخشی زسینه غم نشود |  | رحمتی كن، خزینه كم نشود |
| همه بر درگه تو معتكفیم |  | به گناه گذشته معترفیم |
| جز به درگاه تو ندارم راه |  | نبرم جز به حضرت تو پناه |
| بنده گر در گنه گرفتار است |  | نامی از نام‌هات غفّار است |
| من پلید گناه و تو پاكی |  | جز نژندی چه زاید از خاكی |
| آه! گر لطف تو نگیرد دست |  | كس از این هول چون تواند رست؟! |

\*\*\*

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| خدایا تویی بنده را دستگیر |  | بود بنده را از خدا ناگزیر |
| به بخشایش خویش یاریم ده |  | زغوغای خود رستگاریم ده |
| تو را خواهم از هر مرادی كه هست |  | كه آید به تو هر مرادی به دست |
| در آن روضه خوب كن جای ما |  | ببر نقش ناخوبی از رای ما |
| نه من چاره خویش دانم نه كس |  | تو دانی، چنان كن كه دانی و بس |
| بر آنم كزین ره بدین تنگنای |  | به خشنودی تو زنم دست و پای |
| حفاظت چنان باد در كار من |  | كه خشنود گردی زگفتار من |
| چو از راه خشنودی‌ایم برت |  | نپیچم سر از قول پیغمبرت |

\*\*\*

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| خدایا جهان پادشایی تو راست |  | زما خدمت آید خدایی تو راست |
| همه زیر دستیم و فرمان‌پذیر |  | تویی یاوری ده، تویی دستگیر |
| چو خواهم زتو روز و شب یاوری |  | مكن شرمسارم در این داوری |
| تو گفتی‌كه هركس كه در رنج وتاب |  | دعایی كند من كنم مستجاب |
| بلی كار تو بنده‌پروردن است |  | مرا كار با بندگی‌كردن است |
| نگه دارم از رخنه رهزنان |  | مكن شاد بر من دل دشمنان |
| به هرگوشه كافتم ثنا خوانمت |  | به هرجا كه باشم خدا دانمت |
| بزرگا! بزرگی دها! بی‌كسم |  | تویی یاوری بخش و یاری رسم |
| عقوبت مكن عذرخواه آمدم |  | به درگاه تو روسیاه آمدم |
| خداوند مایی و ما بنده‌ايم |  | به نیروی تو یك به یك زنده‌ایم |
| رهی پیشم آور كه فرجام كار |  | تو خشنود باشی و من رستگار |
| امیدم به تو هست ز اندازه بیش |  | مكن ناامیدم زدرگاه خویش |
| تو دادی مرا پایگاه بلند |  | توام دستگیر اندرین پای بند |
| دلی را كه شد بر درت رازدار |  | زدریوزه هر دری بازدار |
| نكو كن چو كردار خود، كار من |  | مكن كار با من به كردار من |

\*\*\*

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| ای همه هستی زتو پیداشده |  | خاك ضعیف از تو توانا شده |
| هستی تو صورت پیوند نی |  | تو به كس و كس به تو مانند نی |
| آنچه تغیر نپذیرد تویی |  | و آنكه نمرده است و نمیرد تویی |
| ما همه فانی و بقا بس تو راست |  | ملك تعالی و تقدس تو راست |
| خاك به فرمان تو دارد سكون |  | قبه خضرا تو كنی بی‌ستون |
| هركه نه گویای تو خاموش به |  | هرچه نه یاد تو فراموش به |
| عجز فلك را به فلك وانمای |  | عقد جهان را زجهان واگشای |
| نسخ كن این آیت ایام را |  | مسخ كن این صورت اجرام را |
| آب بریز آتش بیداد را |  | زیرتر از خاك نشان باد را |
| از پی توست این همه امید و بیم |  | هم تو ببخشای و ببخش ای كریم |
| چاره ما ساز كه بی‌یاوریم |  | گر تو برانی به كه روی آوریم؟ |
| دل زكجا وین پر و بال از كجا |  | من كه و تعظیم جلال از كجا؟! |
| در صفتت گنگ فرو مانده‌ايم |  | من عرف الله فرو خوانده‌ایم |
| چون خجلیم از سخن خام خویش |  | هم تو بیامرز به انعام خویش |
| پیش تو گر بی‌سر و پای آمدیم |  | هم به امید تو خدای آمدیم |
| یار شو ای مونس غمخوارگان |  | چاره كن ای چاره بیچارگان |
| جز در تو، قبله نخواهیم ساخت |  | گر ننوازی تو، كه خواهد نواخت؟ |
| دست چنین پیش، كه دارد كه ما |  | زاری از این بیش، كه دارد كه ما؟ |
| درگذر از جرم كه خواننده‌ايم |  | چاره ما كن كه پناهنده‌ایم |

\*\*\*

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| خداوندا در توفیق بگشای |  | مرا ره تحقیق بنمای |
| دلی ده كو یقینت را بشاید |  | زبانی كافرینت را سراید |
| مده ناخوب را برخاطرم راه |  | بدار از ناپسندم دست كوتاه |
| درونم را به نور خود بر افروز |  | زبانم را ثنای خود درآموز |

\*\*\*

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| خداوندا شبم را روز گردان |  | چو روزم بر جهان پیروز گردان |
| تویی یاری‌رس فریاد هركس |  | به فریاد من فریادخوان رس |
| ندارم طاقت تیمار چندین |  | اغثنی یا غیاث المستغیثین |
| تو رحمی بر دل پر خونم آور |  | وزین غرقاب غم بیرونم آور |
| اگر هر موی من گردد زبانی |  | شود هر یك تو را تسبیح خوانی |
| اگر هر ذرّه من گوش گردد |  | زشوق نام تو مدهوش گردد |
| گر از هر جزو من چشمی شود باز |  | نبیند جز تو را در پرده راز |
| گر از من ذرّه‌ای ماند و گر هیچ |  | تو را خواند، تو را داند، دگر هیچ |
| به توفیق توام زین گونه بر پای |  | برین توفیق توفیقی بر افزای |
| من رنجور، بی‌طاقت عیارم |  | مده رنجی كه من طاقت ندارم |
| ز من ناید به واجب هیچ كاری |  | گر از من ناید آید از تو باری |
| به انعام خودم دلخوش كن این بار |  | كه انعام تو بر من هست بسیار |

\*\*\*

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| پادشاها در من مسكین نگر |  | گر ز من هر بد بدیدی درگذر |
| چون ندانستم، خطا كردم ببخش |  | آنچه كردم عذر آوردم ببخش |
| خالقا گر نیک و گر بد كرده‌ام |  | هرچه كردم جمله با خود كرده‌ام |
| عفو كن دون همتی‌های مرا |  | محو كن بی‌حرمتی‌های مرا |
| یک نظر سوی دل پرخونم آر |  | از میان این همه بیرونم آر |
| یا رب آگاهی ز زاری‌های من |  | ناظری بر ماتم شب‌های من |
| ماتمم از حد بشد سوری فرست |  | در میان ظلمتم نوری فرست |
| پایمرد من درین ماتم تو باش |  | كس ندارم دستگیرم هم تو باش |
| ای خدای بی‌نهایت جز تو كیست؟ |  | چون‌تویی‌بی‌حدوغایت جزتوكیست |
| گم شدم در بحر حیرت ناگهان |  | زین همه سرگشتگی بازم رهان |
| نفس من بگرفت سر تا پای من |  | گر نگیری دست من ای وای من |
| جانم آلوده است از بیهودگی |  | من ندارم طاقت آلودگی |
| پادشاها دل به خون آغشته‌ايم |  | پای تا سر چون فلک سرگشته‌ایم |
| رهبرم شو زان كه گمراه آمدم |  | دولتم ده گرچه بیگاه آمدم |

\*\*\*

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| خداوندگارا نظر كن به جود |  | كه جرم آمد از بندگان در وجود |
| گناه آید از بنده خاكسار |  | به امید عفو خداوندگار |
| كریما به رزق تو پرورده‌ايم |  | به انعام و لطف تو خو كرده‌ایم |
| چو ما را به دنیا تو كردی عزیز |  | به عقبی همین چشم داریم، نیز |
| عزیزی و خواری تو بخشی و بس |  | عزیز تو خواری نبیند زكس |
| خدایا به عزت كه خوارم مكن |  | به ذُلّ گنه شرمسارم مكن |
| مرا شرمساری زروی تو بس |  | دگر شرمسارم مكن پیش كس |
| تو دانی كه مسكین و بیچاره‌ايم |  | فرو مانده نفس اماره‌ایم |
| خدایا به ذات خداوندی‌ات |  | به اوصاف بی‌مثل و مانندی‌ات |
| كه چشمم ز روی سعادت مبند |  | زبانم به وقت شهادت مبند |
| چراغ یقینم فرا راه دار |  | زبد كردنم دست كوتاه دار |
| بگردان ز نادیدنی دیده‌ام |  | مده دست بر ناپسندیده‌ام |
| خدایا به ذلت مران از درم |  | كه صورت نبندد دری دیگرم |
| چه عذر آرم از ننگ‌تر دامنی؟ |  | مگر عجز پیش آورم: كای غنی ! |
| فقیرم به جرم و گناهم مگیر |  | غنی را ترحم بود بر فقیر |

\*\*\*

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| الها! پادشاها! بی‌نیازا! |  | خداوندا! كریما! كارسازا ! |
| بر جان من مسكین ببخشای |  | در رحمت بر این بیچاره بگشای |
| بر احوال تباهم رحمت آور |  | به آه صبحگاهم رحمت آور |

\*\*\*

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| یا مغیث المذنبین، مُعطی السؤال |  | یا انیس العارفین، یا ذا الجلال |
| ای زبان‌ها در ثنایت مانده لال |  | در هوایت مرغ وَهم افكنده بال |
| ای خداوند جهاندار كریم |  | لایزال لم یزل، حی قدیم |
| نیست جز لطف تو كس فریادرس |  | یا اله العالمین، فریادرس |
| پادشاها بندگان خسته‌ايم |  | جمله در بند هوی پابسته‌ایم |
| نیست بی‌فضل تو جان را قوتی |  | یا غیاث المستغیثین، رحمتی |
| خانه دل را به لطف آباد كن |  | جانم از بند جهان آزاد كن |
| مرغ روحم را به وصلت راه ده |  | دیده بینا، دل آگاه ده |
| جانم از خلق جهان بیگانه كن |  | یاد خود را با دلم همخانه كن |
| با خودم نزدیك كن وز خلق دور |  | ذُلّ و جرمم عفو گردان، یا غفور |
| از محبت جانم اندر شور دار |  | رازم از خلق جهان مستور دار |

\*\*\*

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| ای خرد را تو كارسازنده |  | جان و تن را تو دل نوازنده |
| كون و مكان شاهد جود تواند |  | حجت اثبات وجود تواند |
| رو به تو آریم كه قادر تویی |  | نظم كن سلک نوادر تویی |
| عقده گشاینده هر مشكلی |  | قبله نماینده هر مقبلی |
| تا نكنی تو، نتوانیم ما |  | تا ندهی تو، چه ستانیم ما |
| روی عبادت به تو آریم و بس |  | چشم عنایت زتو داریم و بس |
| در كف ما مشعل توفیق نه |  | ره به نهانخانه تحقیق ده |

\*\*\*

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| الهی كمال الهی تو راست |  | جمال جهان، پادشاهی تو راست |
| كرم گسترا عاجز و مضطرم |  | بگستر سحاب كرم بر سرم |
| چو شد مویم از نور پیری سفید |  | مگردان زنور خودم ناامید |
| دلی خواهم از هر غم و درد پاك |  | ز اندوه نایاب تو دردناك |

\*\*\*

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| الهی مرا محرم راز كن |  | در معرفت بر دلم باز كن |
| دلی ده كه باشد شناسای تو |  | زبانی كه بستاید آلای تو |
| چو با من در اول كرم كرده‌ای |  | به فضل خودم محترم كرده‌ای |
| در آخر همان‌كن كه كردی نخست |  | كه در هردو حالت امیدم به توست |
| چو لطفت مرا رایگان آفرید |  | خردمندی‌ام داد و جان آفرید |
| هم آخر به لطف خودم دستگیر |  | به فضلت مرا رایگان درپذیر |
| چو دانی كه بی‌زاد و بی‌توشه‌ام |  | هم از خرمن خویش ده خوشه‌ام |
| به روی من از كرده |  | دری را كه هرگز نبستی مبند‬ |
| ز رحمت به رویم دری برگشای |  | مرا قهر منمای و لطفی نمای |
| عزیزا! به خواری ز پیشم مران |  | به قهر از در لطف خویشم مران |
| اگر لطف تو برنگیرد مرا |  | كه را زهره كاندر پذیرد مرا؟ |
| من اربی رهم از لئیمی خویش |  | تو مگذار راه كریمی خویش |
| خط عفو دركش خطای مرا |  | ببخش از كرم كرده‌های مرا |
| مدر پرده من كه بی‌پرده‌ام |  | به رویم میار آنچه من كرده‌ام |
| به آب كرم دفترم را بشوی |  | مریز این سیه‌نامه را آبروی |
| اگر من گنهكارم ای كردگار |  | تو آمرزگاری و پروردگار |
| اگر چند بر نفس خود فاسقم |  | به «لا تقنطوا، همچنان واثقم |
| ز دستم مده چون تویی دستگیر |  | وگر زلتی رفت بر من مگیر |
| مگیرم بدان ماجرایی كه رفت |  | پشیمانم از هر خطایی كه رفت |
| سراپای من گرچه آلایش است |  | امیدم زعفو تو، بخشایش است |
| در اول چو پاک آفریدی مرا |  | زیک مشت خاک آفریدی مرا |
| در آخر چو بازم سپاری به خاک |  | كنی پاكم ای دادفرمای پاک |
| در آن دم كه با ما تو مانی و بس |  | خدایا به رحمت به فریاد رس |

\*\*\*\*

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| الله به فریاد من بی‌کس، رس |  | فضل و کرمت یار من بی‌کس، بس |
| هرکس به کسی و حضرتی می‌نازد |  | جزحضرت‌توندارداین‌بی‌کس،کس |

\*\*\*

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| ای واقف اسرار ضمیر همه کس |  | در حالت عجز دستگیر همه کس |
| از هر گنهم توبه ده و عذر پذیر |  | ای توبه ده و عذر پذیر همه کس |

\*\*\*

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| یا رب ز گناه زشت خود منفعلم |  | و ز قول بد و فعل بد خود خجلم |
| فیضی به دلم ز عالم قدس رسان |  | تا شود خیال باطل ز دلم |

\*\*\*

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| با صنع تو هر مورچه رازی دارد |  | با شوق تو هر سوخته رازی دارد |
| ای خالق ذوالجلال نومید مکن |  | آن را که به درگهت نیازی دارد |

\*\*\*

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| خداوندا در توفیق بگشای |  | مرا ره تحقیق بنمای |
| دلی ده کو یقینت را بشاید |  | زبانی کآفرینت را سراید |
| مده ناخوب را بر خاطرم راه |  | بدار از ناپسندم دست کوتاه |

\*\*\*

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| ای خالق خلق رهنمایی بفرست |  | ای رازق رزق در گشایی بفرست |
| کارم زگناه و معصیت بسته شده |  | رحمی بنما گره‌گشایی بفرست |

\*\*\*

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| یا رب زکرم بر من دل ریش نگر |  | تو محتشمی بر من درویش نگر |
| شایسته در گهت ندارم عملی |  | بر من منگر بر کرم خویش نگر |

\*\*\*

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| یا رب چه‌کنم‌که هیچ‌کردارم نیست |  | از جرم گنه زبان گفتارم نیست |
| دستم تهی و بار گناهم سنگین |  | جز لطف و عنایت تو ستارم نیست |

\*\*\*

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| ای ذات تو بر کل ممالک مالک |  | وی راهروان کوی عشقت سالک |
| من وصف تو از کلام خود می‌گویم |  | انت الباقی وکل شيء هالك |

\*\*\*

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| كریما به رزق تو پـرورده‌ایم |  | به انعام و لطف تو خو كرده‌ایم |
| گدا چون كرم بیند و لطف و ناز |  | نگــردد ز دنبـــال بخشنـــده باز |
| چو ما را به دنبـال كردی عزیز |  | به عقبی همین چشم داریم نیز |
| عزیزی وخواری توبخشی وبس |  | عــزیز تو خـــواری نبینــد ز كس |
| خدایا به عزت كه خوارم مكن |  | به ذل گنـــه شـــرمسارم مكن |

\*\*\*

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| خدایا چنان کن سرانجام کار |  | تو خشنود باشی و ما رستگار |
| خدایا به ذلت مران از درم |  | كه صورت نبندد دری دیگرم |
| ور از جهل غایب شدم روز چند |  | كنون كامدم در به رویم مبند |
| چه عذر آرم از ننگ‌تر دامنی |  | مگر عجز پیش آورم كای غنی |
| فقیرم به جرم گناهم مگیر |  | غنی را ترحم بود بر فقیر |

\*\*\*

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| یارب دل پاک و جان آگاهم ده |  | آه شب و گریه‌ی سحرگاهم ده |
| در راه خود اول زخودم بی‌خود کن |  | بی‌خودچوشدم‌زخود به‌خودراهم‌ده |
| گدایان چشم دل سوی تو دارند |  | امید رحمت از کوی تو دارند |
| دل این دردمندان شاد گردان |  | اسیران را زبند آزاد گردان |
| عطا کن درد ایشان را دوایی |  | مریضان را محبت کن شفایی |

\*\*\*

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| چنان صیقلی ده دلم را خدا |  | که چشم دل از آن بگیرد جلا |
| به هر دم برآید ز جانم ندا |  | خدایا خدایا خدایا خدا |
| دمی بر نیاسایم از دوریت |  | نباشم از این درد یک دم جدا |
| گر ابلیس قسم خورد که گمره کند |  | چنان عزتم ده که نآید روا |
| به وقت خوشی‌های کاذب مرا |  | مصونم بدار از بد و از خطا |

\*\*\*

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| الهی دراین ویران‌سرای سست‌بنیاد |  | گدایان را مبر یا رب تو از یاد |
| كس ازمن سیه‌نامه‌تر دیده نیست |  | كه هیچم فعال پسنـدیده نیست |
| جز این كاعتمــادم بیاری توست |  | امیدم به آمرزگاری توست |
| بضاعت نیاوردم الا امید |  | خدایا ز عفوم مكن ناامید |

\*\*\*

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| الهی سینه‏ای ده آتش افروز |  | در آن سینه دلی وان دل همه سوز |
| هرآن‌دل‌راکه‌سوزی‌نیست‌دل‌نیست |  | دل افسرده غیر از آب و گل نیست |

\*\*\*

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| ز من بر من بسی آمد تباهی |  | الهی نَجِّنی منّی الهی |
| مرا بِرهان ز من گر می‌رهانی |  | که هر چیزی که می‬خواهی توانی |

\*\*\*

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| بضاعت نیاوردم الا امید |  | الهی ز عفوم مكن ناامید |
| تو امّید منی درگاه و بیگاه |  | کنون از کردَها استغفرالله |
| تو امّید منی در عین طاعت |  | مرا بخشا ز نور خود سعادت |
| تو امّید منی اندر قیامت |  | ندارم گرچه جز درد وندامت |
| تو امّید منی اندر صراطم |  | بفضل خویتشن بخشی نجاتم |
| تو امّید منی در پای میزان |  | بلطف خویش بخشی جرم وعصیان |

\*\*\*

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| الهی! کمال الهی تو راست |  | جمال جهان پادشاهی تو راست |
| توئی رزّاق هر پیدا و پنهان |  | توئی خلّاق هر دانا و نادان |
| «وَمَا مِن دابّةٍ منشورِ» شاهیست |  | اَلَم تَعلَم نفاد پادشاهیت |
| توبودی و نبُد جنّات و نیران |  | توبودی و نبود ایوان و کیوان |
| تو بودی و نبود افلاک و کَونَین |  | تو بودی و نبود این قاب قوسین |
| توئی باقی و فانی هرچه هستند |  | به تقدیرت نه بالا بل که پستند |
| توئی خلاق هر بالا و پستی |  | توئی پیدا و پنهان هرچه هستی |
| توئی گیرنده و میرنده مائیم |  | توئی سلطان و ما مشتی گدائیم |
| جهان زندان سرای مؤمنانست |  | ولی مال و منال مؤمن آنست |
| اگر فضلت قرین حال گردد |  | خرابم جمله جا و مال گردد |
| چه باشد بنده مقرون انابت |  | کند طاعت کند دعوت اجابت |
| اگر با بنده عدل و داد ورزد |  | عبادت‌های صدساله چه ارزد |
| خداوندا توئی حامی و حاضر |  | بحال بندگان خویش ناظر |

\*\*\*

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| ای خدا ای راز دار بندگان شرمگینت |  | ای‌توانائی‌که‌برجان‌وجهان‌فرمانروایی |
| ای خدا ای همنوای ناله‌ی پروردگانت |  | زین جهان تنها تو باسوزدل‌من‌آشنایی |
| اشک میغلتد بمژگانم زشرم روسیاهی |  | ای پناه بی‌پناهان مو سپید رو سیاهم |
| بردر بخشایشت اشک پشیمانی فشانم |  | تابشویم‌شایدازاشک‌پشیمانی‌گناهم |
| وای‌برمن‌باجهانی‌شرمساری‌کی‌توانم |  | تابه‌درگاهت‌برآرم‌نیمه‌شب‌دست‌نیازی |
| باچنین‌شرمندگی‌هاکی‌زدست‌من‌براید |  | تابجویم‌چاره‌ی‌درددلی‌ازچاره‌سازی |
| برتن آلوده منگر روح پاکم را نظر کن |  | دوست‌دارم‌تاکنم‌درپیشگاهت‌بندگیها |
| من به‌تو روکرده |  | دوست‌دارم‌بندگی‌راباهمه‌‌شرمندگیها |
| مهربانا بادلی‌بشکسته روسوی توکردم |  | روکجا آرام اگر از درگهت گوئی جوابم |
| بی‌کسم در سایه تو می‌جویم پناهی |  | ازکجا یابم خدایی گر به‌کویت ره نیابم |
| ای خدا ای رازدار بندگان شرمگینت |  | ای‌توانایی‌که‌برجان‌وجهان‌فرمانروایی |
| ای خدا ای همنوای ناله‌ی پروردگانت |  | زین‌جهان تنهاتو باسوزدل من اشنایی‬ |

\*\*\*

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| یا رب بگشا گره ز كار من زار |  | رحمی كه زعقل عاجزم درهمه كار |
| جز درگه تو كی بوَدم درگاهی؟ |  | محروم از این درم مكن یا غفار |

\*\*\*

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| خداوندا مرا دریاب‌که دیگر رو به‌پایانم |  | تمام تن شدم زخمی زتیغ هم قطارانم |
| خداوندا نجاتم ده از این تکرار تکراری |  | ازاین‌بیداد‌دشمن‌را به‌جای‌دوست‌پنداری |
| هیچ بامن نیست در این ویرانه‌ی دنیا |  | دراین‌نامردی‌ایام‌دراین‌غم‌خانه‌ی‌دنیا |

\*\*\*

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| الهی تویی آگه از حال من |  | عیان است پیش تو احوال من |
| تویی از کرم دلنواز همه |  | به بیچارگی چاره‌ساز همه |
| الهی به عزت که خوارم مکن |  | به جرم گنه شرمسارم مکن |
| الهی تویی آگه از حال من |  | عیان است پیش تو احوال من |
| توئی از کرم دلنوازِ همه |  | به بیچارگی چاره‌ساز همه |

\*\*\*

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| ای دیده و دل از تو دگرگون مادام |  | ای آن که به تدبیر تو گردد ایام |
| ای‌آنکه به‌دست توست احوال‌جهان |  | حکمی فرما که گردد ایام به کام |

\*\*\*

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| ای همه هستی زتو پیدا شده |  | خاک ضعیف از تو توانا شده |
| آن چه تغییر نپذیرد تویی |  | وآنکه نمرده است و نمیرد تویی |
| تا کرمت راه جهان بر گرفت |  | پشت زمین بارگران بر گرفت |
| هرچه نه گویای تو خاموش به |  | هرچه نه یاد تو فراموش به |
| دست از این پیش که دارد که ما؟ |  | زاری از این بیش که دارد که ما؟ |
| چاره ما ساز که بی‌یاوریم |  | گر تو برانی به که رو آوریم؟ |

\*\*\*

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| خداوندگارا نظر کن به جود |  | که جرم آمد از بندگان در وجود |
| گناه آید از بنده خاکسار |  | به امید عفو خداوندگار |
| کریما به رزق تو پرورده‌ایم |  | به انعام و لطف تو خو کرده‌ایم |
| گدا چون کرم بیند و لطف و ناز |  | نگردد ز دنبال بخشنده باز |

\*\*\*

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| ای‌خدامرااین‌عزت‌بس‌كه‌بنده‌ی‌تو‌باشم |  | این فخرم بس كه پروردگارم تو باشی |
| تو آنچنانی كه من دوست دارم |  | پس مرا آنسان كه می‌خواهی بگردان |

\*\*\*

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| الله تویی وز دلم آگاه تویی |  | درمانده منم دلیل هر راه تویی |
| گر مورچه‌ای دم زند اندر ته چاه |  | آگه ز دم مورچه در چاه تویی |

\*\*\*

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| الهی ای مرا آرامش دل |  | فروغ یاد تو آسایش دل |
| تو ای صورتگر و نقاش آدم |  | تو ای نور و صفای بزم عالم |
| مرا این افسرده را سوز و بیان ده |  | ز لطف خود مرا خط امان ده |
| در این درگه كه اگرچه روسیاهم |  | گرفتار هوس غرق گناهم |
| ترا بر بندگی من عهد بستم |  | ولی این عهد و پیمان را شكستم |
| سپردم من به عصیان نقد ایام |  | توان و تاب من رفت ای دلارام |
| گذشت از من بحسرت زندگانی |  | فرو افتاده‌ام در ناتوانی |
| اگر آتش ز عصیانم فروزد |  | من و عالم ز قهر تو بسوزد |
| اجل گر جان این افتاه گیرد |  | باندوه و ندامت او بمیرد |
| پریشان و فقیر و بی‌قرارم |  | اسیر و بینوا و خوار و زارم |
| امید دل كنون من دود ‌آهم |  | ز رحمت كن نظر من بی‌پناهم |

\*\*\*

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| ای‌جمله بی‌کسان عالم را کس |  | یک جو کرمت تمام عالم را بس |
| من بیکسم و کسی ندارم جز تو |  | یا رب به فریاد من بی‌کس رس |
| عزیزی و خواری تو بخشی و بس |  | عزیز تو خواری نبیند ز کس |

\*\*\*

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| یا مقلب قلب من در دست توست |  | یا محول حال من سرمست توست |
| كن تو تدبیری كه در لیل و نهار |  | حال قلب ما شود همچون بهار ... |

\*\*\*

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| ای کریمی که از خزانه‌ی غیب |  | گبر و ترسا وظیفه خور داری |
| دوستان را کجا کنی محروم |  | تو که با دشمن این نظر داری |

\*\*\*

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| کریما ببخشای بر حال ما |  | که هستیم اسیر کمند هوا |
| نداریم غیر از تو فریاد رس |  | تویی عاصیان را خطا بخش و بس |
| نگهدار ما را از راه خطا |  | خطا در گذار و صوابم نما |

\*\*\*

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| ای دوای درون خسته‌دلان |  | مرهم سینه شكسته‌دلان |
| مرهمی لطف كن كه خسته دلم |  | مرحمت كن كه بس شكسته دلم |
| گرچه من سر به سر گنه كردم |  | نامه خویش را سیه كردم |
| تو درین نامه سیاه مبین |  | كرم خویش بین، گناه مبین |
| من خود از كرده‌های خود خجلم |  | تو مكن روز حشر منفعلم |
| با وجود گناهكاری‌ها |  | از تو دارم امیدواری‌ها |
| زان كه بر توست اعتماد همه |  | ای مراد من و مراد همه |
| تو كریمی و بی‌نوای توام |  | پادشاهی و من گدای توام |
| سوی خود كن رخ نیاز مرا |  | به حقیقت رسان مجاز مرا |
| گنهم بخش و طاعتم بپذیر |  | كه همین دارم از قلیل و كثیر |
| در شب تیره چون دهم جان را |  | همرهم كن چراغ ایمان را |
| گر زمن جز گنه نمی آید |  | از تو غیر از كرم نمی‌شاید |
| كردگارا، به بی‌نیازی خویش |  | به كریمی و كارسازی خویش |
| به صفات جلال و اكرامت |  | نظر خاص و رحمت عامت |
| حشر من با رسول كن، یا رب |  | این دعا را قبول كن، یا رب |

1. - «پروردگارتان می‌فرمايند که در سختی‌ها و مصيبت‌هايتان مرا خوانيد تا به فريادتان رسم، آنان که تکبر ورزيده از عبادتم سرباز می‌زنند در آتش دردناک دوزخ خوار و زبونشان خواهم ساخت». [↑](#footnote-ref-1)
2. - «ای پيامبر من، اگر بندگانم از تو پرسيدند که از آنان دورم يا نزديک، بدانند که من به ايشان نزديکم و دعاء و حاجت هر نيازمندی را برآورده می‌کنم، پس دعوت مرا پاسخ گويند و به من ايمان آورند تا رستگار شوند». [↑](#footnote-ref-2)
3. - اين حديث را ابوداود 2/78 وترمذی 5/211و ابن ماجه 2/1258 از رسول اکرم نقل کرده‌اند، به صحيح الجامع الصغير 3/150 وصحيح ابن ماجه 2/324رجوع شود. متن حديث چنين است: **قال رسول الله** ج**:** «الدعاء هو العبادة: ﴿قَالَ رَبُّكُمُ ٱدۡعُونِيٓ أَسۡتَجِبۡ لَكُمۡۚ﴾». [↑](#footnote-ref-3)
4. - اين حديث را ابوداود2 /78 و ترمذی 5/557 و ابن ماجه2 /1271 آورده‌اند، و ابن حجر گفته است که سند اين روايت در مرتبه جيد قرار دارد. مراجعه شود به صحيح ترمذی 3/179. [↑](#footnote-ref-4)
5. - اين حديث را ترمذی 5/566 و 5/462 و احمد 3/18 آورده‌اند، رجوع شود به صحيح الجامع 5/116 وصحيح ترمذی 3/140. [↑](#footnote-ref-5)
6. - ﴿وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌۖ أُجِيبُ دَعۡوَةَ ٱلدَّاعِ إِذَا دَعَانِۖ...﴾ [البقرة: 186]. [↑](#footnote-ref-6)
7. - به احادیث شماره 94-95-96 از اين کتاب مراجعه شود. [↑](#footnote-ref-7)
8. - پرتاب سنگ ريزه‌ها يا «جمرات» از مناسک حج خانه خداست. [↑](#footnote-ref-8)
9. - «ای پيامبر من، اگر بندگانم از تو پرسيدند که از آنان دورم يا نزديک، بدانند که من به ايشان نزديکم و دعاء و حاجت هر نيازمندی را برآورده می‌کنم، پس دعوت مرا پاسخ گويند و به من ايمان آورند تا رستگار شوند». [↑](#footnote-ref-9)
10. - صحيح بخاری 7/163، و مسلم 4/2070 اين حديث را روايت کرده‌اند. [↑](#footnote-ref-10)
11. - روايت از بخاری 7/161، و مسلم 4/2078 است. [↑](#footnote-ref-11)
12. - روايت از بخاری 7/59، و مسلم 4/2079 است. [↑](#footnote-ref-12)
13. - لفظ حديثی که بخاری 7/155 و مسلم 4/2080 روايت کرده‌اند بدين قرار است. «کان رسول اللهج يتعوذ من جهد البلاء، ودرك الشقاء، وسوء القضاء، وشماتة الأعداء». [↑](#footnote-ref-13)
14. - این حدیث را امام مسلم 4/2087 روایت کرده‌اند. [↑](#footnote-ref-14)
15. - روایت مسلم 4/2087 است. [↑](#footnote-ref-15)
16. - روايت از مسلم 4/2088 است. [↑](#footnote-ref-16)
17. - روايت از مسلم4/2090 است. [↑](#footnote-ref-17)
18. - روايت از مسلم4/2097 است. [↑](#footnote-ref-18)
19. - روایت از مسلم 4/2085 است. [↑](#footnote-ref-19)
20. - دعاء رسول اکرم ج در بخاری 7/154 و مسلم 4/1928 برای حضرت أنس س: «اللهم أَکْثِرْ مَالَهُ وَوَلَدَهُ وَبَارِكْ لَهُ فِيمَا أَعْطَيْتَهُ» بر اين معنا دلالت دارد. [↑](#footnote-ref-20)
21. - إمام بخاری اين حديث را در «الأدب المفرد» به شماره 653 آورده‌اند، که استاد البانی در ضمن «الأحاديث الصحيحة» شماره 2241 و در «صحيح الأدب المفرد» صفحه 244 آن را آورده‌اند، و جمله بين دو کروشه برگرفته‌ای است از حديث ترمذی و احمد که آورده‌اند؛ از رسول اکرم ج پرسيدند: چه کسی از همه بهتر است؟ فرمودند: «مَنْ طَالَ عُمُرُهُ وَحَسُنَ عَمَلُهُ» «هرکس عمرش طولانی و کارهايش نيکو شد» و استاد البانی نيز در «صحيح ترمذی 2/271» اين حديث را ذکر نموده است. [↑](#footnote-ref-21)
22. - به روايت بخاری 7/154 و مسلم 4/2092. [↑](#footnote-ref-22)
23. - روايت از أبو داود 4/324 و احمد 5/42 است. استاد البانی و ديگران آن را در ضمن احاديث «حسن» برشمرده‌اند. [↑](#footnote-ref-23)
24. - ترمذی 5/295 و حاکم با تصحيح خودش و موافقت «ذهبی» با او 1/505 و صحيح ترمذی 3/168 اين حديث را ذکر کرده‌اند و متن آن چنين است: «دعوة ذي النون إذ دعا وهو في بطن الحوت: ﴿لَّآ إِلَٰهَ إِلَّآ أَنتَ سُبۡحَٰنَكَ إِنِّي كُنتُ مِنَ ٱلظَّٰلِمِينَ ٨٧﴾ فإنه لم يدع بها رجل مسلم في شيءٍ قط إلا استجاب الله له». [↑](#footnote-ref-24)
25. - به احمد 1/391، 452 و حاکم 1/509 و تخريج الکلم الطيب صفحه 73 مراجعه شود. الحافظ آن را در «تخريج الأذکار» «حسن» شمرده‌اند و استاد البانی آن را صحيح می‌دانند. [↑](#footnote-ref-25)
26. - به روايت مسلم 4/2045. [↑](#footnote-ref-26)
27. - ترمذی 5/238 و احمد 4/182 و حاکم 1/525 با تصحيح خودش و موافقت ذهبی آن را ذکر نموده‌اند. به صحيح الجامع 6/309 و صحيح ترمذی 3/171 مراجعه شود. أم المؤمنين أم سلمةل فرمودند: «اين دعاء از بيشترين دعاهايی بودند که پيامبرج تکرار می‌فرمودند». [↑](#footnote-ref-27)
28. - امام ترمذی 5/534 با لفظ «سلوا الله العافية في الدنيا والآخرة» و با لفظ «سلوا الله العفو والعافية فإن أحداً لم يعط بعد اليقين خيراً من العافية» اين حديث را آورده‌اند. به صحيح ترمذی 3/180 و3/185 و3/170 و مسند إمام أحمد با ترتيب احمد شاکر 1/156-157 مراجعه شود. [↑](#footnote-ref-28)
29. - امام احمد 4/181 وطبرانی در «الکبير» اين حديث را روايت کرده‌اند، و حافظ هيثمی در «مجمع الزوائد» 10/178 می‌گويند که مردان روايت احمد و يکی از روايت‌های طبرانی همه ثقه هستند. [↑](#footnote-ref-29)
30. - ابوداود 2/83 و ترمذی 5/554 وابن ماجه 2/1259 و حاکم با تصحيح خودش و موافقت ذهبی 1/519 اين روايت را ذکر کرده‌اند، به صحيح ترمذی 3/178 و احمد1 /127 مراجعه شود. [↑](#footnote-ref-30)
31. - به ترمذی 5/537 و ابن ماجه 2/1264 مراجعه شود. [↑](#footnote-ref-31)
32. - ابوداود 2/92 و ترمذی 5/523 و نسائی 8/271 و غيره اين روايت را آورده‌اند، به صحيح ترمذی 3/166 و صحيح نسائی 3/1108 مراجعه گردد. [↑](#footnote-ref-32)
33. - ابوداود 2/93 و نسائی 8/271 و احمد 3/192 اين حديث را ذکر نموده‌اند، به صحيح نسائی 3/1116 و صحيح ترمذی 3/184 مراجعه شود. (پيسی؛ لکه‌های سفيدی که روی جلد پيدا می‌شود). [↑](#footnote-ref-33)
34. - روايت از ترمذی 5/575 و ابن حبان، و حاکم، و طبرانی است، به صحيح ترمذی 3/184 مراجعه شود. [↑](#footnote-ref-34)
35. - به ترمذی 5/534 به تحقيق و بررسی ابراهيم عطوه، چاپخانه مصطفی البابی و صحيح ترمذی 3/170 مراجعه شود. [↑](#footnote-ref-35)
36. - امام احمد 5/243 با همين لفظ و ترمذی 5/369 با لفظی شبيه به آن و حاکم 1/521 اين حديث را روايت کرده‌اند، و امام ترمذی آن را «حسن» به شمار آورده گفتند: از امام بخاری درباره اين حديث پرسيدم ايشان گفتند: که اين حديث «حسن صحيح» است و در آخر حديث پيامبر ج فرموده‌اند: «إنها حق فادرسوها وتعلموها» «اين دعاء حق است آن را بخوانيد و ياد گيريد». [↑](#footnote-ref-36)
37. - ابن ماجه 2/1264 و احمد 6/134 با اضافه قسمت دوم، و حاکم با تصحيح خود و موافقت ذهبی 1/521 و با اضافه قسمت اول، اين حديث را آورده‌اند، به صحيح ابن ماجه 2/327 مراجعه شود. [↑](#footnote-ref-37)
38. - به حاکم 1/525، با تصحيح خود و موافقت الذهبی، و صحيح الجامع 2/398 و الأحاديث الصحيحة 4/54 به شماره 1540 مراجعه شود. [↑](#footnote-ref-38)
39. - ترمذی 5/528 و حاکم 1/258، با تصحيح خود و موافقت ذهبی، و ابن السنی به شماره 446 حديث را آورده‌اند به صحيح ترمذی 3/168 و صحيح الجامع 1/400 مراجعه شود. [↑](#footnote-ref-39)
40. - به بخاری همراه با شرح «فتح الباری» 11/181 مراجعه شود. [↑](#footnote-ref-40)
41. - به بخاری همراه با شرح «فتح الباری» 11/196 مراجعه شود. [↑](#footnote-ref-41)
42. - بخاری 1/302، و مسلم 4/2078 اين حديث را روايت کرده‌اند. [↑](#footnote-ref-42)
43. - به روايت بخاری 7/167، و مسلم 4/2086. [↑](#footnote-ref-43)
44. - حاکم 1/525 آن را صحيح شمرده و ذهبی با او موافقت کرده است. به «الأذکار» از امام نووی صفحه 340 مراجعه شود، محقق کتاب عبد القادر الأرنؤوط حديث را «حسن» دانسته است. [↑](#footnote-ref-44)
45. - به حاکم 1/542، و صحيح الجامع 1/396 و «الأحاديث الصحيحه شماره 1539» مراجعه شود. [↑](#footnote-ref-45)
46. - به روايت احمد 4/63 و 5/375، مراجعه شود به صحيح الجامع 1/399. [↑](#footnote-ref-46)
47. - طبرانی اين حديث را روايت کرده‌اند، هيثمی در «مجمع الزوائد» 10/159 می‌گويند: مردان اين حديث به جز محمد بن زياد که «ثقه» است همه صحيح‌اند، به صحيح الجامع 1/404 مراجعه شود. [↑](#footnote-ref-47)
48. - به روايت نسائی، و ابوداود 2/92. به صحيح نسائی 3 /1123 مراجعه شود. [↑](#footnote-ref-48)
49. - به روايت ابوداود 2/91، و نسائی 8/263، و ابن ماجه. مراجعه شود به صحيح نسائی 3 /1112. [↑](#footnote-ref-49)
50. - به صحيح الجامع 1/406 و إرواء الغليل شماره 852 و حاکم و بيهقی مراجعه شود. [↑](#footnote-ref-50)
51. - به صحيح نسائی 3/1111 و أبوداود 2/91 و صحيح الجامع 1/407 مراجعه شود. [↑](#footnote-ref-51)
52. - به روايت حاکم 1/532 همراه با تصحيح او و موافقت ذهبی با او، و نسائی 8/274، به صحيح الجامع 1/408 و صحيح نسائی 3/1118 مراجعه شود. [↑](#footnote-ref-52)
53. - به روايت ترمذی 5/519 و أبوداود 2/92. به صحيح الجامع 10/410 و صحيح نسائی 3 / 1113 مراجعه شود. [↑](#footnote-ref-53)
54. - اين حديث را طبرانی روايت نمود که هيثمی در مجمع الزوائد 10/144 می‌گويند: همه مردان اين روايت صحيحند. به صحيح الجامع 1/411 مراجعه شود. [↑](#footnote-ref-54)
55. - بروايت ترمذی 4/700 و ابن ماجه 1453 ونسائی. به صحيح ترمذی 2/319 و صحيح نسائی 3/1121 مراجعه شود، لفظ حديث چنين آمده است: «مَنْ سَأَلَ اللهَ الجنةَ ثَلاَثَ مَرَّاتٍ قَالتْ الجنةُ: اَللهم أَدْخِلْهُ الجنّةَ، وَمَنْ اسْتَجَارَ مِنَ النَّارِ ثَلاَثَ مَرّاتٍ، قَالَتْ النَّارُ: اللهم أَجِرْهُ مِنَ النَّارِ». [↑](#footnote-ref-55)
56. - دعاء پيامبر اکرم برای ابن عباس در بخاری و مسلم بر اين حديث دلالت دارد. به بخاری با شرح فتح الباری 1/44 و مسلم 4/1797 مراجعه شود. [↑](#footnote-ref-56)
57. - به روايت احمد 4/403. به «صحيح الترغيب والترهيب» از استاد البانی/ 1/19 مراجعه شود. [↑](#footnote-ref-57)
58. - به روايت ابن ماجه 1/92. به صحيح ابن ماجه 1/47 مراجعه شود. [↑](#footnote-ref-58)
59. - به روايت ابن ماجه 1/298. به صحيح ابن ماجه 1/152 مراجعه شود. [↑](#footnote-ref-59)
60. - نسائی با همين لفظ 3/52 و احمد 4/338. به صحيح نسائی 1/279 مراجعه شود. [↑](#footnote-ref-60)
61. - بروايت ابوداود 2/80 و ابن ماجه 2/1268 و نسائی 3/52 و ترمذی 5/55. به صحيح نسائی 1/279 مراجعه شود. [↑](#footnote-ref-61)
62. - بروايت ابوداود 2/79 و ترمذی 5/515 و ابن ماجه2/ 1267 و احمد 5/360. به صحيح سنن ترمذی 3/163 مراجعه شود . [↑](#footnote-ref-62)
63. - به روايت ابوداود و ترمذی با همين جملات، و نسائی و ابن ماجه 2/1353. به صحيح ابن ماجه 2/321 و صحيح ترمذی 3/153 مراجعه شود. [↑](#footnote-ref-63)
64. - بروايت نسائی 3/54، 55 و احمد 4/364 با اسناد جيد. به صحيح نسائی 1/280 و1/281 مراجعه شود. [↑](#footnote-ref-64)
65. - ترمذی اين حديث را روايت کرده و آن را حسن دانسته است 5/523 شيخ عبدالقادر الأرنؤوط در تحقيقش بر جامع الأصول 4/341 با ترمذی موافق است. [↑](#footnote-ref-65)
66. - به روايت نسائی 1/198و199 و ترمذی 5/515 به صحيح نسائی 1/86 مراجعه شود. [↑](#footnote-ref-66)
67. - بروايت ابوداود 2/9 و نسائی 8/255 با این الفاظ «کان النبی ج يتعوذ من خمس؛ من البخل والجبن وسوء العمر، وفتنة الصدر، وعذاب القبر». به جامع الأصول با تحقيق الأرنؤوط 4/363 مراجعه شود. [↑](#footnote-ref-67)
68. - بروایت نسائی 8/278 به صحیح نسائی 3/1121 مراجعه شود. [↑](#footnote-ref-68)
69. - بروايت احمد 4/444 و سند آن را جيد بر شمرده و ترمذی 5/519 با همين كلمات. [↑](#footnote-ref-69)
70. - بروايت ابن ماجه 2/1263 به صحيح سنن ابن ماجه 2/327 مراجعه شود. متن حديث چنين است: «سلوا اللهَ علما نافعا وتعوذوا بالله من علم لا ينفع». [↑](#footnote-ref-70)
71. - مسلم 4/2084 بروايت از ابوهريرهس آن را آورده است. [↑](#footnote-ref-71)
72. - بروايت حاکم 1/265 و گفته که برحسب شرط مسلم است ذهبی نيز با او موافق است. [↑](#footnote-ref-72)
73. - حاکم آن را از ام سلمه (أم المؤمنين) به پيامبراکرم ج رسانده و صحيح دانسته، ذهبی نيز با او موافق است 1/520. [↑](#footnote-ref-73)
74. - بروايـت حاکم 1/532 و آن را بر شرط امام مسلم دانسته و ذهبی نيز با او موافق است. [↑](#footnote-ref-74)
75. - بروايت حاکم 1/510 از ابن عباسب و آن را صحيح دانسته و ذهبی نيز با او موافق است. [↑](#footnote-ref-75)
76. - بروايت احمد 6/48 وحاکم 1/255 و آن را بر حسب قواعد امام مسلم صحيح دانسته و ذهبی نيز با او موافق است. عائشه ام المؤمنينل فرمودند: چون پيامبر از دعاء فارغ شدند پرسيدم که محاسبه با نرمی يعنی چه؟ فرمودند: اينکه با توجه به نامه اعمالش از او در گذرند چونکه اگر کسی مورد باز جويی قرار گيرد هلاک و نابود خواهد شد، و خداوند با هر بلايی که به مؤمن می‌رسد گناهانش را ذوب می‌کند و از او در می‌گذرد، حتی اگر خاری به پای او فرو رود باعث بخشش برخی از گناهانش می‌گردد. [↑](#footnote-ref-76)
77. - بروايت حاکم 1/499 و او آن را صحيح بر شمرده و ذهبی نيز با او موافق است و ابوداود 2/86 و نسائی 3/53 آورده‌اند که پيامبر ج به معاذ سفارش کردند که بعد از هر نمازی چنين دعاء کند. [↑](#footnote-ref-77)
78. - بروايت ابن حبان در «موارد» صفحه 604 شماره 2436 از ابن مسعود و احمد 1/386، 400 و نسائی در «عمل اليوم والليلة» شماره 869. [↑](#footnote-ref-78)
79. - بروايت حاکم 1/510 با تصحيح او وموافقت ذهبی، و احمد 4/444 الحافظ در «الإصابه» آورده‌اند که اسناد اين حديث صحيح است. [↑](#footnote-ref-79)
80. - بروايت نسائی 8/265، به صحيح نسائی 3/1113 مراجعه شود. [↑](#footnote-ref-80)
81. - بروايت نسائی 3/209 و ابن ماجه 1/431 و ديگران، به صحيح نسائی 1/356 وصحيح ابن ماجه 1/226 مراجعه شود. [↑](#footnote-ref-81)
82. - بروايت ترمذی و حاکم 1/523 با تصحيح او و موافقت ذهبی، به صحيح ترمذی 3/188 مراجعه شود. [↑](#footnote-ref-82)
83. - بروايت زوائد مسند البزار 2/442 شماره 2177 و طبرانی، وگفته‌اند که سندش «جيد» است. به مجمع الزوائد 10/179 مراجعه شود. [↑](#footnote-ref-83)
84. - بروايت احمد با همين جملات 3/424 و در بين کروشه ها از حاکم 1/507، 3/23-24، و بخاری در الأدب المفرد با شماره 699، واستاد البانی/ در «فقه السيره» صفحه 284 و در صحيح الأدب المفرد از امام بخاری با شماره 538 صفحه 259 آن را صحيح شمرده است. [↑](#footnote-ref-84)
85. بروايت مسلم 4/2072-2073، 4/2078 و در روايت ديگری از مسلم آمده که «فإن هؤلاء تجمع لك دنياك وآخرتك» - اين‌ها دنيا و آخرت تو را برايت جمع کرده‌اند - و در سنن أبی داود آمده که «آنگاه که روستايی برگشت پيامبر ج فرمودند: دست‌هايش را از خير و نيکی پر کرد» 1/220. [↑](#footnote-ref-85)
86. - به صحيح ابن ماجه 1/148 و صحيح ترمذی 1/90 مراجعه شود. [↑](#footnote-ref-86)
87. - بروايت ترمذی 5/326 شماره 3173، و حاکم 2/98 با تصحيح خودش، استاد عبدالقادر الأرنؤوط در تحقيقش بر الجامع الأصول 11/283 شماره 8847 آن را «حسن» دانسته است. [↑](#footnote-ref-87)
88. - بروايت احمد 6/68،155،1/403 استاد البانی در إرواء الغليل 1/155 شماره 74 آن را صحيح شمرده است. [↑](#footnote-ref-88)
89. - دعاء پيامبر اکرم ج برای جريرس به اين دعاء دلالت دارد - به صحيح بخاری شرح فتح الباری 6/161 رجوع شود. [↑](#footnote-ref-89)
90. - برگرفته از کلام پاک پروردگار يکتا در سوره البقرة آيۀ 269 که فرموده‌اند: ﴿يُؤۡتِي ٱلۡحِكۡمَةَ مَن يَشَآءُۚ وَمَن يُؤۡتَ ٱلۡحِكۡمَةَ فَقَدۡ أُوتِيَ خَيۡرٗا كَثِيرٗاۗ﴾. [↑](#footnote-ref-90)